

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

تربیت زمینه ساز عصر ظهور؛ اصول و الزامات

سیداحمد رهنمایی*

چکیده

خداوند اراده فرمود دین مبین خود را بر همه ادیان برتری بخشد، گرچه این حقیقت کافران و مشرکان را خوش نیاید. او همچنین اراده فرمود بر مستضعفان منت گذارد و آنان را وارث زمین و زمان قرار دهد، گرچه این امر بر مستکبران جهان سخت و تنگ آید. افزون بر این، سنت حتمی و تردیدناپذیر الهی بر این تعلق گرفته که با ظهور حجتش، جهان را از عدل و قسط و احسان سرشار فرماید، پس از آن که از جور و ستم و جفا مآمال گردیده است. از آن گذشته، مشیت الهی بر این است که امور مزبور همگی به صورت عادی و از راه متعارف - و نه به طور مرموز یا اعجازگونه - تحقق یابد. بدیهی است جریان این سنت و تحقق آن مشیت در جهان، مستلزم فراهم آمدن شرایط و اوضاع و احوال مناسب و متناسبی است که فرجام خوشش فرج اسلام و مسلمانان، آن هم با ظهور سرور آفرین و بهجت افزای امام زمان علیه السلام خواهد بود. در همین راستا می توان گفت تربیت زمینه ساز بیشترین سهم را در فراهم کردن آن شرایط و اوضاع مسرت زا و سرعت بخشیدن به تحقق این فرجام شیرین بر عهده دارد. تبیین اصول و الزامات چنین تربیتی دغدغه اصلی این نوشتار است. از این رو اموری همچون مقام و منزلت آخرین پیشوای الهی انسان و جهان، عدالت جهانی، برترین ها برای برترین پیشوای عصر و جهان در دوره آخرالزمان، رسالت خطیر نجات و سعادت مندی انسان، کمال نهایی بشر، تحولات شگرف فراروی انسان و جهان در عصر ظهور، حق تقوا، حق جهاد، تربیت زمینه ساز با الهام از زیارت عاشورا و جایگاه اراده و مشیت الهی

* دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام (مدیر گروه علوم تربیتی) rahnama@qabas.ir

در اثربخشی تربیت زمینه‌ساز، سرلوحهٔ اندیشه و تدبیر برنامه‌ریزان، مجریان و متصدیان تربیت زمینه‌ساز قرار می‌گیرد. توجه به این امور اهمیت تربیت زمینه‌ساز را در نظر مربیان صدچندان می‌کند. از این مضامین بلند و حیاتی که به نوعی حد نصاب لازم در فرایند تربیت زمینه‌ساز به شمار می‌روند، اصول و الزامات ده‌گانهٔ فوق، با محوریت: ۱. جایگاه امام زمان علیه السلام و رسالت جهانی ایشان، ۲. هنگامهٔ ظهور و تحولات چشم‌گیر و فراگیر، ۳. مسئولیت خطیر تربیت یافتگان عصر ظهور برای ورود به عصر ظهور، به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد اسنادی قابل استنباط و استخراج هستند.

واژگان کلیدی

اصول و الزامات و شاخص‌های تربیت زمینه‌ساز، منزلت شایسته‌ترین پیشوای انسان و جهان، برترین‌ها برای بهترین پیشوای صالحان، رسالت الهی و جهان‌شمول امام زمان علیه السلام عصر ظهور و تحولات آن، دولت شایستگان.

مقدمه

تربیت زمینه‌ساز عصر ظهور به مثابهٔ بازپروری تمامی استعدادها و خلاقیت‌های افراد و جوامعی است که با اعتقاد کامل، اشتیاق فراوان، به طور هدفمند و با بصیرت کافی منتظر ظهور کامل‌ترین انسان و برجسته‌ترین پیشوای جهان در دورهٔ آخرالزمان هستند. آخرالزمان نیز به دوره‌ای اطلاق می‌شود که بشر، پس از قرن‌های متمادی و طولانی، تجربه‌های لازم را برای کمال‌یافتگی و سعادت‌مندی کسب کرده و شایستگی خود را از همهٔ زوایا و جنبه‌ها برای درک حضور و ولایت و زعامت آخرین پیشوای انسان و جهان که صاحب عصر است و امام زمان، احراز داشته باشد. اسلام عزیز به دورانی می‌اندیشد که شأنیت و شخصیت تربیت یافتگانش آن‌قدر بالا رود که لایق ظهور و شایستهٔ همراهی و همگامی و خدمت به جوامع بشری در مقیاس جهانی باشند؛ رویدادی که تا آن زمان دنیا نمونه‌اش را به خود ندیده است.

در عصر ظهور، بناست از میان آحاد و جوامع انسانی، شیعیان - آن‌هم خواصی از شیعیان - همراه حضرت مهدی علیه السلام و در دولت ایشان فرمان‌روایان روی زمین و عالی‌رتبگان جهان باشند. بزرگی، بزرگواری، توانمندی، استعداد، شایستگی و خلاقیت، هر یک از این خواص با داشته‌های چهل نفر برابری می‌کند.^۱ از آن گذشته، چنان‌که از فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام

۱. قال ابو عبدالله علیه السلام: «یکون من شیعتنا فی دولة القائم سنام الأرض و حکامها، یعطی کل رجل منهم قوّة أربعین رجلاً»

برمی‌آید، بناست جوانان تربیت یافته، پرهیزکار، برومند، از جان گذشته و پاک‌باخته امت اسلام با قوت تمام مسئولیت یاری‌رسانی به امام زمان علیه السلام و همراهی با ایشان را بر عهده گیرند تا به پشتیبانی آن جوانان، حضرت قیام فرماید. برای این اساس، سالخوردگان در جمع یاران حضرت مهدی آن قدر اندکند که به تعبیر روایات همچون سرمه در چشم می‌مانند و نمک در توشه و طعام.^۱

از همین بیان توصیفی و این گزارش روایی به دست می‌آید که شاخص‌های تربیت انسان‌ها برای عصر ظهور چقدر باید ظریف، لطیف، راه‌گشا و مؤثر باشند، به گونه‌ای که تربیت یافتگان بتوانند از عهده مسئولیت‌ها و رشادت‌های مورد نیاز آن عصر به خوبی برآیند و گام به گام با صاحب و سالار زمان و جهان همراهی کنند. تربیت زمینه‌ساز باید به مثابه تربیت یک نفر برابر چهل نفر باشد تا غرض الهی از ظهور حاصل گردد و منویات خداوندی تحقق یابد. چنین تربیتی دارای اصول و الزاماتی است که بدون در نظر گرفتن آن‌ها نتیجه شایسته‌ای حاصل نخواهد گشت.

انجام رسالت خطیر تربیت زمینه‌ساز بیش از همه مستلزم همت متعالی مربیان و متریبانی است که لحظه به لحظه خود را در انتظار و اشتیاق ظهور می‌بینند و درنگ و تسویف را در امر آماده‌سازی خویش برای ظهور جایز نمی‌شمرند. هرچند اینان به شمارش اندکند، اما به قابلیت‌ها فراوانند و کارهای بسیار مهم از آنان سر می‌زند. برای شکوه و عظمت اینان همین بس که با تمام وجود بناست در خدمت پیشوایی باشند که خود محور و قطب عالم است^۲ و تحقق بخش آمال و آرمان‌های پیامبران الهی و اوصیای ربانی آنان خواهد بود؛ همو که با ظهور و حضور نورانی و نویدبخش خود، انسان‌ها و جهان را به فرجام شیرینشان رهنمون خواهد شد. این نتیجه استقرار دولت کریمه اهل البیت علیهم السلام است که هرگاه خداوند اراده فرماید

شیعیان ما در دولت حضرت قائم بزرگان و فرمان‌روایان روی زمین هستند. هر مردی از آنان نیروی چهل مرد را داراست. (مفید، ۱۴۱۸: ۸)

قال علی بن الحسین علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - عَنِ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند هر درد و رنجی را از شیعیان ما بزاید و دل‌هایشان را همچون آهن تفتیده قرار دهد و نیروی هر مردی از آنان را برابر چهل مرد گرداند. شیعیان در آن زمان فرمان‌روایان و بزرگان روی زمین هستند.» (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۴۱)

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ سَبَابٌ لَا كَهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الرَّادِّ وَأَقْلُ الرَّادِّ الْمِلْحُ؛ یاران حضرت قائم جوانانند و کهنسالان در جمع آنان نیستند، مگر به میزان سرمه در چشم و نمک در توشه، و البته کمترین توشه نمک است.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۵)

۲. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ.» (قمی، بی‌تا: زیارت‌نامه حضرت مهدی علیه السلام)

و مشیتش بدان تعلق گیرد، آن دولت را ظاهر خواهد ساخت.^۱

منظور از اصول و الزامات در این مقال، بایدهایی مستند به واقعیات و حقایق مرتبط با عصر ظهور و سازگار با روح حاکم بر آن عصر درخشان الهی است. واقعیات و حقایق مزبور منشأ انتزاع و استنباط و صدور و انشای اصول و الزامات تربیتی متناسب با آن هنگامه عظیم به شمار می‌روند. به عبارتی، اصول و الزامات تربیت زمینه‌ساز در این نوشتار سلسله‌ای از بایدهای برجسته اخلاقی - رفتاری و فرهنگی - ارزشی است که در روند تربیت زمینه‌ساز از نقش بسیار برجسته‌ای برخوردارند. امام محوری، عدالت‌منشی، نجات‌اندیشی، سعادت‌طلبی، کمال‌انگاری، تحول‌مداری، عاشوراگرایی و... از جمله اصول و الزاماتی هستند که مریبان این عرصه در گام نخست پیش از هر کس و پیش از هر اندیشه و اقدامی باید به آن‌ها اذعان کنند تا بتوانند فراگیران را به تناسب و اقتضای آن‌ها تربیت کنند. برای استخراج و استنباط هر یک از این اصول و الزامات کافی است به واقعیات حتمی‌الوقوع و تردیدناپذیری اشاره کرد که فلسفه انتظار فرج را تعریف و تبیین می‌نمایند و عصر و دوران ظهور را سرآمد همه عصرها و دوران‌ها می‌سازند. مریبان و متریبان تربیت زمینه‌ساز باید در همین راستا به اصول و الزامات ده‌گانه‌ای که شرحش در ادامه می‌آید توجهی ویژه مبذول دارند.

۱. تربیت بر محور مهدویت و وجود امام زمان علیه السلام، برجسته‌ترین شاخص تربیت زمینه‌ساز

نگاه به مقام والای پیشوایی که برای او وجود خود را تربیت می‌کنیم و به یمن قدوم او دل و جان را آباد و مهیا می‌سازیم، با عنایت به برترین‌هایی که برای وی و ظهور مبارکش در نظر گرفته می‌شود بسیار شوق‌برانگیز است. اولیا و مریبان از رهگذر عشق و علاقه و افری که نسبت به امام خویش در وجود خود احساس می‌کنند فرزندان و فراگیران خویش را به پاس داشت حریم عشق و ولایت او تربیت می‌نمایند. با وجود چنین رهبر و پیشوای عظیم‌الشأنی که بر قلّه رفیع ولایت و هدایت خلق تکیه زده است، باید بر خود بالید و به ولایت‌مداری خویش مباحثات کرد که به شکرانه الهی به پای چنین پیشوایی و برای چنین مقامی می‌خواهیم پرورنده شویم و بی‌پروانیم.^۲

۱. قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۲، ۱۴۰).

۲. برای مطالعه درباره ابعاد شخصی و شخصیتی امام زمان علیه السلام نک: طبرسی نوری، ۱۴۱۵: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱: طاهری، ۱۳۸۰: مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۳.

نگاه ما به امام خویش در تربیت زمینه‌ساز به افق‌های ویژه‌ای دوخته می‌شود و مطالعه ما در این زمینه از زوایای گوناگونی چون آفاق دوگانه انسانی و ربانی یا ملکی و ملکوتی یا زمینی و آسمانی امام صورت می‌پذیرد. در افق انسانی یا ملکی و زمینی امام، باید به عواملی چون عوامل متعارف انسانی در محیط جسمانی و روانی و روحانی امام، غیبت و ظهور امام، آمال و آرزوهای امام، نیازمندی‌های امام، سبک زندگی و معیشت روزمره امام و سایر امور شخصی و شخصیتی که به ساحت انسانی امام مربوط می‌شود توجه کرد. در افق ربانی یا ملکوتی و آسمانی امام باید به عواملی چون سامان‌دهی امر فرج امام و تقدیر امور ایشان به مشیت و اراده الهی، امام و بندگی خداوند، امام و خلافت الهی ایشان^۱، امام و امدادهای غیبی شامل حال ایشان، نقش فرشتگان و روح القدس در محافظت و حراست و تأیید آن حضرت، امام و رفع هر گونه سلطه و اقتدار از ناحیه هر کسی و از جانب هر عاملی بر ایشان، امام و دریافت اذن خداوند بر جهاد با کفار و منافقین، و سرانجام، امام و تحقق منویات الهی و شکوفایی آرمان‌های پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحان به دست با برکت و با کفایت ایشان و اموری از این دست توجه کرد.^۲

به امامی می‌اندیشیم که از جمله عزیزترین عزیزان خداست؛ به سوی خداوند دعوت می‌کند و با تمام وجودش مظهر و تجلی صفات کمال و جمال الهی است؛ گفتارش روایت آیات حکمت و عظمت و رحمت و رحمانیت و رحیمیت خداوندی است و بیانش ترجمان قدس و معنویت و صلابت و ایمان ربانی است.^۳ به امامی می‌نگریم که در فصل ظهور نورانی اش بر کل

۱. برای درک بهتر نسبت به حقیقت خلافت الهی، نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲. «اللهم أصلح عبدك و خليفتك بما أصلحت به أنبيائك و رسلك و حقّه بملائكتك و أئده بروح القدس من عندك و اجعله من بين يديه و من خلفه رصداً يحفظونه من كل سوء و أبدله من بعد خوفه أمناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً و لا تجعل لأحد من خلقك على وليك سلطاناً و أذن له في جهاد عدوك و عدوه و اجعلني من أنصاره أنك على كل شيء قدير؛ بارالها امر فرج بنده و خليفه خود را به سامان برسان، به همان تدبیری که امر پیامبران و فرستادگانت را به سامان رساندی؛ و او را با فرشتگانت در بر بگیر و به روح القدس خویش او را مؤید فرما؛ و از پیش رو و پشت سرش حفاظی ایجاد کن که او را از هر ناخوشایندی محافظت کنند؛ و پس از هراس و نگرانی اش او را آرامش ده؛ او تو را می‌پرستد و به تو شرک نمی‌ورزد؛ و خداوند، هیچ‌یک از بندگانت را بر او مستولی نفرما؛ و فرمان جهاد با دشمن خود و دشمنش را برای او صادر کن؛ و مرا از یاران او قرار ده که تو بر هر چیزی توانایی.» (ابن طاووس، ۱۳۶۱: ۲۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۸: ۳۶۶؛ مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۸۶، ۲۵۱)

روایت شده است امام رضا علیه السلام این دعای فرج را در قنوت نماز جمعه می‌خواندند و شیعیان نیز سفارش می‌فرمود این دعا را در قنوت نماز جمعه بخوانند. این دعا مشتمل بر مضامین و حقایق بسیار بالایی است که بیان‌گر شأن و منزلت امام زمان علیه السلام در پیشگاه خداوند و الطاف و عنایات خاص خداوند در حق ایشان است. به بخشی از این امور در متن بالا اشاره شده است.

۳. «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ، ... السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجَمَانَهُ.» (قمی، بی تا: زیارت آل یس)

هستی ولایت دارد؛ جهان سراسر ظلم و جنایت را سرشار از عدل و داد می‌فرماید و به فرمان خداوند و به اذن او بر تمام جهان به عدالت تمام فرمان می‌راند.^۱ امام ما کسی است که تمامی انبیا و اوصیا و اولیا به وجود نازنینش بر خود می‌بالند و انتظار فرجش را بهترین و بافضیلت‌ترین اعمال^۲ در پیشگاه خداوند می‌دانند و خدمت در رکابش را آرزوی دیرینه خود برمی‌شمارند.^۳ رهبر و پیشوای ما در هر زمان و مکان، در فصل غیبت و به هنگام ظهور و پس از آن شخصیت والاتباری است که بزرگواری چون پیامبر برگزیده خداوند، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام با مباحثات تمام در نماز به او اقتدا و در جهاد مقدس او را همراهی می‌کند.

امام ما با داشتن چنین مقاماتی - که بخش ناچیزی از عظمت بی‌منتهای اوست - به اذن خداوند بر زنده کردن مردگان به خصوص مردگان روح و روان و درمان و شفای کران و کوران و لالان و معلولان به ویژه کران و کوران و لالان روحی و روانی تواناست. همو به اذن خداوند می‌تواند انواع و اقسام بیماری‌های ظاهری و باطنی را شفا بخشد و کوردلان را بینادل و ناهشیاران را هشیار و خفتگان را بیدار، ناهلان را اهل و بی‌خردان را خردمند، مسلمانان را اهل ایمان و مؤمنان را روشن ضمیر و قوی دل فرماید. به امامی مباحثات می‌کنیم که به عیار وجودش، ناشایستگان عیار شایستگی، نابهنجاران عیار هنجاری، کوردلان عیار بصیرت، بی‌خدایان عیار خدایی، ناراستان عیار راستی، ضعیفان عیار توانمندی و مستضعفان عیار سروری می‌یابند.

اکنون پرسش اصلی این جاست که به پاس مقدم چنین امامی چگونه پیروانیم و پیروانده شویم؟ به نظر می‌رسد باید منتهای شایستگی‌ها را به کار گرفت تا شاید بتوان بخشی از حق آن بزرگوار را ادا نمود. به برکت چنین پیشوای راستینی باید از ناخالصی‌ها و کجی‌ها و هرگونه انحراف ریز یا درشتی مبرا شد، تا نشان لیاقت خدمت به دربارش را به دست آورد. از این رو، باید به تربیت کامل‌تر و کارآمدتر اندیشید و از جنبه ثبوتی و اثباتی شایستگی‌های لازم را دارا شد. برای تحقق این مهم باید به قله اندیشید؛ جایگاه رفیعی که برای امام در نظر گرفته

۱. قال الحسين بن علي عليه السلام: «لَوْ لَمْ يَتَّقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ وَاجِدَ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَادِي فَيْمَلَأَهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛ چنان‌چه از عمر دنیا یک روز بیش نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌فرماید تا مردی از فرزندانم ظهور کند و دنیا را سرشار از عدل و قسط فرماید، پس از آن‌که از جور و ستم پر شده است.» (صدوق، ۱۳۹۶ - ب: ج: ۱، ۴۳۴-۴۳۵)

۲. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّيِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج: ۲۱، ۱۲۸)

۳. قال الباقر عليه السلام: «إِنْ أَدْرَكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ تَصَرُّتُهُ.» (همو: ج: ۵۲، ۱۲۶)

قال الصادق عليه السلام: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵)

می‌شود؛ امامی که چراغ فروزان هدایت بندگان خداوند است؛ خداوندی که بر اساس لطف و عنایت خویش به بندگان خود اجازت فرمود تا با تلاش و همت خود سهمی در زمینه‌سازی ظهور و هنگامه قیام حضرت امام مهدی علیه السلام ایفا کنند.

گفتنی است در الگو قرار دادن امام، هرگز نظر بر این نیست که کسی مثل و همانند امام بیندیشد و همچون ایشان رفتار کند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نامه تنبیهی خود به عبدالله بن حنیف انصاری یادآور این نکته شد که شما نمی‌توانید همچون من زندگی کنید و همانند من به قرص نان خشکی برای طعامتان بسازید و به تکه پارچه‌ای برای پوششتان بسنده کنید. اما شما می‌توانید امام خود را یاری رسانید، آن هم با پرهیزکاری، پاکدامنی، تلاش و محکم‌کاری^۱. درباره امام زمان نیز هرگز نمی‌توان همچون مولا شد و همانند ایشان زیست و رفتار کرد، اما می‌توان آن بزرگوار را با تقواییبشگی، خویشتن‌داری، پاکی، خلوص، ثبات، پایداری و محکم‌کاری یاری رساند.

۲. عدالت منشی؛ عدالت جهانی و اهمیت جایگاه آن در تربیت زمینه‌ساز

روایات رسیده از ساحت اهل بیت علیهم السلام در جریان رسالت جهانی امام زمان بر کمتر موضوع و مسئله‌ای همچون اجرا و استقرار عدالت روی زمین تأکید ورزیده‌اند. قرآن نیز یکی از سرآمدترین انگیزه‌های بعثت پیامبران و فرو فرستادن کتب آسمانی و میزان و غنی‌سازی زمین و منابع زمینی و زیرزمینی از جمله آهن را استقرار عدالت و قسط بر روی زمین و در میان نفوس انسانی دانسته است.^۲

عدالت، روحی است که باید در خلق و خوی انسان‌ها و در کالبد رفتار و حرکات و سکنات آنان دمیده شود تا به برکت چنین روحیه‌ای ملکه عدالت در وجود آحاد بشر نهادینه گردد و آثار با برکت خود را در هر زمینه و مرتبط با هر موقعیتی در زندگی فردی و اجتماعی به ظهور برساند. به نظر می‌رسد قسط در واقع تقسیط داده‌ها و موهبت‌های الهی در نظام آفرینش و

۱. «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَهْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ ذُنُوبِهِ بِطَمَرِيَّةٍ وَ مِنْ طَلْعِيهِ بِقُرْصِيَّةٍ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدُرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفَافَةٍ وَ سَدَاقٍ؛ آگاه باشید که هر پیروی را رهبری است که به وی اقتدا می‌کند و از نورانیت دانش او روشن و منور می‌گردد. آگاه باشید که امام شما (علی) از [پوشش] دنیای خویش به دو تکه پارچه و از خوراک دنیایش به دو قرص نان بسنده کرده است. آگاه باشید که شما برای سیره طاقت ندارید، پس مرا با پارسامنشی و تلاش و پاکدامنی و محکم‌کاری یاری رسانید.» (شریف رضی، ۱۴۱۵: نامه ۴۵)

۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ بَيْنُورِهِ وَرُسُلَهُ بِالْقَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵).

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (رحمن: ۷-۹)

جهان طبیعت میان انسان‌هاست، به گونه‌ای که هر ذی‌حقی به حق مسلم خود برسد و هر مستحقی آن چه را شایسته و نیازمند است دریافت نماید. همهٔ آحاد انسانی باید به اندازهٔ ظرف وجودی خود دارای روحیهٔ عدالت و عدل‌پروری گردند.

در حقیقت، عدالت یک حالت و وصف درونی است پیش از آن‌که اقدامی بیرونی به شمار رود. شخص عادل کسی است که به ملکهٔ عدالت دست یافته است، خواه فرصت و امکان عمل به عدالت و رفتار عادلانه را پیدا کند، خواه چنین فرصت و امکانی را به دست نیاورد. هرچه باشد، عدالت وصف درونی اوست که همیشه و در هر شرایط و احوالی آن را دارد و به وقت خود از آن استفاده می‌کند و به دیگران بهره می‌رساند. این در حالی است که قسط و قیام به قسط، رسالت کسانی است که علاوه بر شایستگی‌های لازم در برخورداری از ملکهٔ عدالت، از نعمت قدرت بر تصمیم‌گیری و توانایی بر اجرای عدالت و قیام به قسط نیز برخوردار هستند. در واقع، بهره‌مندی از همان روحیهٔ عدالت و عدل‌پروری است که زمینه‌ساز تحقق قسط میان انسان‌ها می‌گردد. به بیانی، عدل و روحیهٔ عدالت‌پروری جنبهٔ ثبوتی قیام به قسط است، در حالی که قسط و برپایی قسط، جنبهٔ اثباتی عدالت به شمار می‌رود. تا عدالتی در وجود انسان‌ها مفهوم و ارزش نیابد، قسطی بر روی زمین متحقق نمی‌شود و برپایی قسط و قیام به قسط بی‌جاست و تا قیام به قسط در جهان به ظهور نرسد، مفهوم و ارزش عدالت تجلی نمی‌یابد. به تعبیری دیگر، قسط برون‌سازی همان روح عدالت‌پروری است که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد تا این برون‌سازی مفهوم و ارزش پیدا کند. آن خصلت ممتاز و برجستهٔ عدل و اعتدال و تعادل درونی است که به قیام به قسط و برپایی آن می‌انجامد. در نگاه تمثیلی، عدالت به مثابهٔ روغن سوخت و روشنایی چراغ است و قسط به مثابهٔ فتیله‌ای که از این روغن ذخیره می‌گیرد و روشنایی می‌بخشد و گرمی و حرارت می‌دهد.^۱

۱. تفاوت بین عدل و قسط چیست؟ برای شناخت معانی واژگان زبان عرب باید به فرهنگ لغت همان زبان مراجعه کرد، اما چنان‌چه واژهٔ مورد نظر در قرآن و روایات نیز کاربرد فراوانی پیدا کرده باشد، ضروری است موارد به کار رفتن در این منابع نیز بررسی شود تا ابعاد دقیق‌تر مسئله را بتوان دریافت. دو واژهٔ «عدل» و «قسط» نیز با همین شیوه مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و اینک نتیجهٔ مطالعات صورت گرفته تقدیم می‌گردد:

الف) عدل:

۱. **تعریف عدل:** حالتی است بین افراط و تفریط، به گونه‌ای که در این حد وسط زیادت یا نقصانی قرار نداشته و اعتدال کامل مراعات شده و به سبب همین مفهوم است که از میانه‌روی، مساوات، سازوکاری و استقامت به «عدل» تعبیر گردیده (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۸، ۵۵).

۲. **گونه‌شناسی عدل:** در قرآن و روایات از واژهٔ «عدل» به تعدد یاد شده و از موارد گوناگون به کار رفتن آن می‌توان انواع «عدل» را شناسایی کرد:

اکنون با توجه به مفهوم و برداشتی که از قسط و عدالت به دست آمد، به روشنی پیداست که تربیت زمینه‌ساز تا چه اندازه باید در راستای پرورش روح عدالت و ایجاد ملکه عدل در نهاد نسل عصر ظهور گام بردارد. معنای بسنده کردن به کمتر از حد نصاب عدالت، مرگ قسط و عدالت است و در نتیجه به نقض غرض از ظهور منجی عالم بشریت می‌انجامد. چنانچه مریبان در این راستا موفق نباشند، زمینه‌ای برای قیام به قسط و برپایی آن در سطح جهانی و در میان آحاد انسانی فراهم نخواهد شد. بدیهی است در این صورت هنوز ظهوری تحقق نیافته، غرض ظهور مخدوش می‌گردد.

پیشوای عادل به منظور ایجاد روحیه عدالت و اجرای همه‌جانبه قسط در میان

عدالت در اندیشه و حکم: چندان که از انحراف، ضعف یا شدت به دور باشد (نساء: ۵۸).
عدالت در روایات و صفات نفسانی: چندان که اخلاق باطنی اش نه چنان کم مایه باشد و نه آن چنان پرمایه که موجب مشکل گردد (مانده: ۱۰۶).

عدالت در اعمال: فقط بر محور حق است، همانند آن چه در آیات قرآن از آن یاد شده است (نک: مانده: ۱۱۵ و ۱۵۲؛ نساء: ۳؛ شوری: ۱۵).

۳. **ویژگی ویژه عدل:** گذشته از آن که عدل، حالت بین افراط و تفریط تعریف شده، دارای نکته و ویژگی خاصی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام از آن چنین تعبیر نموده: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل، هر چیز را به جای خود قرار می‌دهد» (شریف رضی، ۱۴۱۵: حکمت ۴۳۷).

یعنی: نتیجه و هدف عدل و شاخصه اصلی آن این است که هر چیز در جای خود قرار گیرد و هر کس بدان چه شایسته است برسد. در این مفهوم، هر موجود به آن چه استحقاق و لیاقت داشته نایل گردیده و اگر لیاقت یک موقعیت و حالت برتر را نداشته باشد، هرگز آن رتبه به او داده نمی‌شود؛ همچنان که ممکن است به موجودی (مثل ائمه اطهار علیهم السلام) عنایاتی شود که به دیگران این مقدار فضل نگردد و این توجه خاص، منوط به لیاقت، شأن و آمادگی برتر آن موجود است. ره‌آورد چنین ویژگی آن است که عدل بر سه نوع است:

یکم. عدل در آفرینش: خداوند هر استعدادی را که شایستگی ایجاد بود را خلق فرموده و مثلاً آدم را آدم آفرید چون لیاقت همین را داشت و سنگ را سنگ آفرید چون برابر با قابلیتش است.

دوم. عدل در قانون‌گذاری: خداوند در تکالیف به طاقت انسان نظر فرموده و دستوری فراتر از ظرفیت به او نداده است. سوم. عدل در جزاء: خداوند بین اصلاح‌گر و مفسد مساوات برقرار نکرده و قانون «هر چه بکاری همان بدروی» را اجرا می‌کند.

ب) **قسط:**

۱. **تعریف قسط:** این کلمه از آن جهت که در بردارنده مفهوم «اعتدال و حفظ از انحراف و افراط و تفریط» است با عدل هم‌معناست؛ اما یکی از تفاوت‌هایش با عدل آن است که «قسط» جنبه تطبیق مفهوم عدالت و اجرای آن در مصادیق و مواردش را دارد و وقتی «عدل» بخواهد تحقق و بروز داشته باشد از آن به «قسط» تعبیر می‌گردد. شاهد این تفاوت، آیه نهم از سوره حجرات است که دو واژه عدل و قسط در کنار هم آمده و طبیعتاً باید این دو، متفاوت باشند.

۲. **تفاوت‌های مفهومی و مصداقی عدل و قسط:**

یکم. قسط، اجرا و تحقق عدل است و پیامدش نیز تطبیق عدل بر موارد و جایگاه‌های خارجی آن است. دوم. قسط، عدلی است که ظهور یافته و محسوس شده و از همین روست که ترازو کردن اشیا را قسط می‌گویند؛ چون عدل و تعادل را به صورت آشکارا نمایش می‌دهد (عسکری، ۱۳۸۹: ۴۲۸).

منبع: نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها؛ پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز جهانی آل‌البیت علیهم السلام

جوامع بشری نیازمند کارگزاران و کارفرمایان و کاربران عادل است که درست به مفاد دستور و احکام او در راستای تحقق عدالت فراگیر و همگانی و قسط همه جانبه و همه جایی قیام می کنند. از آن گذشته، قسط و عدالت تنها از راه الگوبرداری و فرمان برداری صرف از دیگران حاصل نمی گردد. قسط و عدالت خصلت و توانی است که فرد عادل قائم به قسط خود باید به حد کمال و تمام از آن دو بهره مند باشد تا بتواند برای تحقق آن ها میان انسان ها اقدام کند.

برخی از صفات شخصیتی را چه بسا بتوان از راه یادگیری و الگوبرداری از صاحبانش فراگرفت و به کار بست، هرچند در وجود و درون خود فرد نهادینه نگردیده باشند. مهارت هایی نظیر سخنوری، نویسندگی، هنرپیشگی، رسم و نقاشی، بافندگی و... از جمله امور تجربی هستند که با نگاه به صاحبان و برخوردارانش می توان از آنان فراگرفت. الگوبرداری کرد و به کار بست. اما صفاتی چون نظم، ایمان، تقوا، صبر، شکر، توکل، بردباری و عدالت، از جمله اموری درونی هستند که تنها با نگاه به دارنگانش یا با الگوبرداری از احوال و رفتار آنان نمی توان به کار بست، مادام که این صفات در وجود شخص نهادینه نگردیده باشند. این دسته از صفات حتماً باید ملکه فرد شوند تا در روح و روان جامعه نفوذ یافته، زمینه پیاده سازی در سطوح گوناگون را پیدا کنند. بدین بیان، تربیت برای قسط و عدالت، اسباب، وسایل و ساز و کارهای خاص خود را دارد و البته نیازمند حضور مربیان متخصص و چیره دستی است که خود ارزش قسط و عدالت را یافته اند و به احکام و الزامات قسط و عدالت پایبندند.

۳. برترین ها برای شایسته ترین پیشوای عصر جهان در دوره آخرالزمان

در تربیت مهدوی، شاخص تربیت قله رفیعی است که تنها و تنها توسط امام زمان علیه السلام فتح گردیده است و کسی دیگر را جز ایشان یارای چنین ظفرمندی نیست. در قلمرو این تربیت، توجه مربیان و فراگیران بیش از هر عاملی به وجود امامی است که با تمام ابهت و صلابت و درخشندگی و شایستگی بر مسند حاکمیت جهانی تکیه زده است و هیچ کسی را یارای گردن افرازی در برابر او نیست؛ پیشوای با شرافت و شایسته ای که هر انسان شرافتمندی در پیشگاه با عظمت او خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته خاضع و تسلیم عظمت و شرافت و منزلت و آقایی و بزرگواری اوست.^۱

۱. «وَبَخَعْ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ». (قمی، بی تا: زیارت جامعه کبیره)

صاحب عصر و زمان و امام جن و انسان در دوره آخرالزمان قدرتمندترین و در عین حال مهربان‌ترین، داناترین و با این وجود بردبارترین، داراترین و با این وصف بخشنده‌ترین، بلندمرتبه‌ترین، ولی مردمی‌ترین پیشوایی است که جهان به خود دیده و شنیده است. او عادل‌ترین، حکیم‌ترین، پرهیزکارترین، بابصیرت‌ترین، شکوهمندترین، متخصص‌ترین، باعظمت‌ترین، بزرگواری‌ترین، خوش خلق‌ترین و دلسوزترین فرمان‌فرما و فرمان‌روایی است که نمونه‌اش را به جز در وجود سایر معصومان علیهم‌السلام در وجود احدی از بهترین‌های جهان نمی‌توان یافت. دولت و سلطنت او نیز بدین منوال از پاینده‌ترین، استوارترین، مقتدرترین، ارجمندترین، شکست‌ناپذیرترین، آسیب‌ناپذیرترین، جهانی‌ترین، پراوازه‌ترین، بااُبَهِت‌ترین، دوست‌داشتنی‌ترین، آرام‌بخش‌ترین، آسایش‌دهنده‌ترین و مردم‌سالارترین دولت و سلطنتی است که از آغاز آفرینش تا فرجام آن می‌شود مشاهده کرد. کشور و کیان و مملکت او گسترده‌ترین، پهناورترین، آبادترین، برخوردارترین، امن‌ترین، مرفه‌ترین، زیباترین، دانش‌پرورترین و عالم‌خیزترین کشور و کیان و مملکتی است که تا آن زمان در سطح جهان به منصفه ظهور رسیده است. امت او داناترین، خردمندترین، بردبارترین، خوش‌خوترین، هشیارترین، روشن‌ترین، ماهرترین، فعال‌ترین، قوی‌ترین، فرمان‌بردارترین، مؤدب‌ترین، متدین‌ترین، وفادارترین، امین‌ترین و معتدل‌ترین امتی است که گواه همه امت‌ها بوده و تاریخ جوامع و امم انتظار آن را می‌کشیده است.^۱ کارگزاران دولت او بانشاط‌ترین، بشاش‌ترین، خوش خلق‌ترین، خوش‌برخوردترین، کارگشایترین، گره‌گشایترین، امانت‌دارترین، وقت‌شناس‌ترین، وظیفه‌شناس‌ترین، کارآمدترین، همراه‌ترین، قانع‌ترین و خدمت‌گزارترین عوامل و نیروهایی هستند که می‌توانند الگو و سرمشق همه دولت‌ها و کارگزاران دولتی قرار گیرند. در یک کلام، اهل ایمان با انتظار فرج، ظهور دولتی را آرزو می‌کنند که ارجمند و باشکوه و شکست‌ناپذیر است؛ دولتی که عزت‌بخش اسلام و مسلمانان و ذلت‌بخش نفاق و منافقان است. مؤمنان به انتظار دولتی نشسته‌اند که به برکت ظهورش و با افتخار تمام، در سایه لوای آن مردم را به جانب خداوند و فرمان‌برداری از او فرا بخوانند و به راه درست خدا راهبری‌شان کنند. چنین دولت کریمه و حقی به مرحمت الهی کرامت و سعادت دنیا و آخرت را روزی اهل ایمان

۱. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَعْلَامَهُمْ؛ آن‌گاه که قائم ما قیام فرماید دست مبارک خویش بر سر بندگان خداوند قرار می‌دهد، پس عقولشان به حد اعلامی رسد و بردباری‌شان به حد کمال.» (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۲۵)

خواهد ساخت.^۱

برترین‌هایی که گفته شد، در واقع رهین رشد و کمالات علمی دوران ظهور در سطوح متعالی تربیت، اخلاق، ادب، معرفت و دانش و فناوری است. به بیانی دیگر، تمامی پیشرفت‌هایی که در جوامع بشری در سطح کلان جهانی تا پیش از ظهور حضرت روی خواهد داد مستند به رشد و تعالی و تکامل بشر در همه موارد فوق است. این در صورتی است که تا پیش از ظهور امام زمان علیه السلام انسان‌ها تنها به دو بخش از شعبه‌های بیست و هفت‌گانه دانش دست یازیده‌اند. هنگامی که امام زمان ظهور فرماید، همه بیست و هفت جزء دانش از مکتب ایشان و به دست با کفایت آن بزرگوار در سطح جهان و میان انسان‌ها انتشار خواهند یافت و به خدمت گرفته خواهند شد.^۲

اکنون با توجه به همه برترین‌ها و توصیفاتی که یادآور شدیم، باید دید چگونه تربیت شویم و تربیت کنیم تا در مسیر برخورداری از این برترین‌ها، شایسته این برترین‌ها شویم، یا دست‌کم به آن‌ها نزدیک گردیده، با آن‌ها هم‌مرز باشیم؟! تربیتی زمینه‌ساز ظهور است که در نگاه نخست این برترین‌ها و بالاترین‌ها را در افق دید خود داشته باشد. تحقق و تجلی همه این برترین‌ها باید چشم‌انداز روشن تربیت مهدوی باشد تا مریبان، آنی از نگاه به آن چشم برندارند و لحظه‌ای از حرکت در سمت و سوی آن دیده برنتابند. اما این که چنین تربیتی نیازمند چه تدابیر و ساز و کارهایی است مبحث درخور توجهی است که نمی‌توان از آن غافل ماند. با این وجود، مهم‌تر از آن پی‌گیری پاسخ این پرسش است که مریبان و متصدیان چنین تربیت زمینه‌ساز چه کسانی هستند و دارای چه ویژگی‌ها، برجستگی‌ها و امتیازاتی باید باشند؟

از آن گذشته، نیازمند این هستیم بدانیم چه کسانی را با چه ویژگی‌های ذاتی و شخصیتی و فطری و طبیعی می‌توان به تربیت مهدوی آراست تا به طور پویا و پایدار به مفاد و ملزومات

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَرِّبُنَا بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا الْبَغْيَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» (همو: ج ۳، ۴۲۴؛ قمی، بی تا: دعای افتتاح)

۲. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ جُزْءًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ جُزْءٌ مِنْهَا فَلَمْ يَغْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْجُزْءَيْنِ (الحرفین) فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ جُزْءًا (حرفاً) فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْجُزْءَيْنِ (الحرفین) حَتَّى يَبْتَثَّهَا سَبْعَةً وَ عَشْرِينَ جُزْءًا (حرفاً)؛ دانش بیست و هفت جزء (حرف) است که تمام آن چه را پیامبران [برای بشر تا وقت ظهور به ارمغان] آورده‌اند دو جزء (دو حرف) است. بنابراین، مردم تا فرا رسیدن روز موعود به غیر از این دو جزء (دو حرف) معرفت دیگری به چنگ نخواهند آورد. اما آن‌گاه که قائم قیام فرماید بیست و پنج جزء (حرف) دیگر را ارائه خواهد داد و در میان مردم منتشر خواهد ساخت و آن دو جزء پیشین را به آن‌ها ضمیمه خواهد کرد تا همه بیست و هفت جزء (حرف) منتشر گردد.» (راوندی، ۱۴۰۹؛ ج ۲، ۸۴۱؛ مجلسی، ۱۴۱۷؛ ج ۵۲، ۳۳۶)

آن تا زمان ظهور و پس از آن تا آخرین لحظه حیات خود در عصر ظهور پایبند و متعهد بمانند. آیا این مسئله‌ای است که می‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و به آسانی آن را نادیده انگاشت و بدون ایجاد سامانه‌ای مطمئن و نویدبخش نسبت به آن غفلت ورزید؟ آیا اگر چنین مسئولیت و رسالت عظیم و خطیری بر عهده غرب و نامسلمانان گذاشته شده بود، آنان بی‌خیال می‌شدند و به حال خود رها می‌ساختند؟ اهل ایمان چه باید کنند که بی‌خیال این مسئله نشوند و بی‌امان و بی‌درنگ درصدد کشف راهبردها و راهکارهای تربیت کارآمدی برآیند که به خوبی زمینه‌ساز ظهور آن رسالت خطیر و سهمگین و آن دولت فاخر و ممتاز باشد؟ می‌بینید اکنون که سیاستمداران و کارگزاران فرهنگ و سیاست غرب چنین ایمانی ندارند، چگونه با هزاران ترفند و شیطنت، از جمله از راه تولید فیلم و سریال تلاش می‌کنند دکترین نجات و آخرالزمان و حتی مهدویت را به نفع سیاست و اغراض شیطنی خود مصادره نمایند.^۱ رسانه‌های اطلاعاتی به‌ویژه فضای سایبر^۲ شبانه‌روز در خدمت اهداف و اغراض شوم و ننگین کارگاه‌های سیاست‌پرداز غربی قرار دارند؛ چه بسا شاهد بسیاری از بی‌حرمتی‌های سایبری در حق ارزش‌ها و مقدسات مهدوی بوده و هستیم. آیا می‌توان در برابر این همه حجمه‌های رنگارنگ ساکت ماند و از شرافت و حیثیت امام زمان و آیین نجات مهدوی دفاع نمود و از حریم مهدویت پاسداری نکرد؟ مگر نه این است که امت اسلام به‌ویژه شیعیان در زمینه‌سازی برای ظهور از هر ملت و ملیتی شایسته‌ترند؟ چه جمعیت و مردمی سزاوارتر از شیعیان باید در مسیر زمینه‌سازی و هرچه نزدیک‌ترسازی ظهورگام بردارند؟ تصدی این امر عظیم هم حق شیعیان است و هم تکلیف آنان. شیعه باید هم برای احقاق این حق الهی تلاش کند و هم حق چنین تکلیف سترگی را خوب ادا نماید.

از میان همه اقدامات خوب و مناسبی که باید در مسیر تربیت زمینه‌ساز عهده‌دار شد و مسئولیت آن را برای خدا و جلب رضای الهی پذیرفت و لوازمش را به جان خرید، بیش از همه رسالت خطیر تربیت زمینه‌ساز جلوه‌گری می‌کند. تربیت زمینه‌ساز در واقع تربیت در راستای ظهور شایسته‌ترین منجی عالم و تحقق بخشیدن به آرمان‌های مقدس و مبارک مهدوی است.

۱. تنها هالیوود در آمریکا تاکنون بیش از ده فیلم در این راستا تولید کرده و به نمایش گذاشته است. به عنوان نمونه می‌توان به فیلم‌های «ماتریکس»، «آمگا کد ۲ (مگیدو)»، «هری پاتر»، «صهیون»، «پسر جهنمی»، «آرماگدون»، «روز استقلال» و نیز بازی رایانه‌ای «یا مهدی» با نام اصلی «جهنم خلیج فارس» اشاره کرد. فیلم «تا پایان جهان» تولید مشترک کشورهای آلمان، فرانسه و استرالیا نیز به مضامین مرتبط با آخرالزمان پرداخته است.

2. cyber-space

۴. نجات اندیشی و سعادت طلبی؛ جایگاه رسالت خطیر نجات و سعادت‌مندی انسان در تربیت زمینه‌ساز

تربیت‌یافتگان به تربیت مهدوی باید به چه چیزی جز به نجات جهان و انسان از شر کفر و گمراهی و شقاوت بیندیشند؟ آیا هرکسی را یارای اندیشیدن در این جایگاه است؟ بی‌گمان این رسالت بی‌اندازه مهم و حیاتی نیازمند عنایات خداوندی است؛ عنایاتی که به صورت آشکار و نهان، باید مبذول شود تا جوامع انسانی را از فضیلت خاص و توفیق مخصوص همراهی و همگامی با امام و پیشوایشان بهره‌مند گرداند. انسان عصر ظهور نه تنها برای نیل به سعادت خود تلاش می‌کند، بلکه نسبت به سعادت دیگران نیز به شدت حساس است. او می‌داند که سعادت هر فردی از امت مهدوی به سعادت سایر افراد وابسته است و از این رو در آن فضای نورانی یک نفر هم نباید مسیر شقاوت را پیماید. هر کسی می‌کوشد برای اصلاح خود و دیگران گام‌های جدی و مستحکمی بردارد.

در عصر ظهور آحاد مردم هرگز از یکدیگر غافل نمی‌مانند و نسبت به درد و رنج همدیگر حساس هستند و یار و غمخوار یکدیگرند. در آن جامعه ایثار، مواسات، وفاداری، شفقت، مهر، محبت، مودت، یک‌رنگی، صفا، صمیمیت، چاره‌درد بیچارگان کردن، همه و همه فلسفه خود را بازمی‌یابند و در اندیشه، خیال، رفتار، منش و خلق و خوی افراد موج می‌زنند. این‌ها همه به برکت رسالت بزرگی است که مؤمنان عصر ظهور در مسیر تأمین سعادت خود و دیگران بردوش خویش احساس می‌کنند.

اهتمام به رسالت نجات و سعادت آخرالزمانی ایجاب می‌کند هر کسی مسئولیت تربیت و سازندگی خود را بر عهده گیرد و به سختی تمام بکوشد لحظه‌ای از امر خطیر تربیت خویش غافل نماند و در این راستا هرگز قصور نرزد. این رسالت به قدری مهم و معتبر است که تقریباً همه مکاتب و مذاهبی که در طول تاریخ تا این زمان به ظهور رسیده‌اند ادعا می‌کنند رسالتشان نجات انسان‌هاست. این مسئله آن‌چنان بارز و اعتبارآفرین است که می‌بینیم دولت امریکا ملت‌های عراق، افغانستان، سوریه و سایر کشورها و جوامع را مورد تهاجم بی‌رحمانه قرار می‌دهد و با قساوت تمام آنان را به خاک و خون می‌غلطانند و اموال، شرف، ناموس، حیثیت، دارایی، منابع و معادن این کشورها را به یغما می‌برد و مغزهای متفکرشان را می‌رباید یا به جوخه‌های ترور می‌سپارد. با این وصف، دولت مردان امریکا با کمال بی‌شرمی بانگ برمی‌دارند که ما برای نجات این ملت‌ها قیام کرده‌ایم!

این مورد از نظر دور نمانده است که جرج دبلیو بوش پسر، در مبارزات انتخاباتی ریاست

جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۰ با اختلاف بسیار اندکی از رقیبش ال‌گور پیشی گرفت و سرانجام با تصمیم نهایی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا نظر هیئت الکترال را برای تأیید ریاست جمهوری اش جلب نمود (ویکی‌پدیا: جورج دبلیو بوش). در این شرایط بود که کارپردازان سیاسی آمریکا پیرو سیاست مزورانه منجی تراشی و جاسازی اندیشه دروغین نجات انسان و جهان، ترفندهای مرموز و کاملاً ویژه‌ای درباره معرفی جرج بوش به عنوان رئیس جمهور منجی به عمل آوردند. در نتیجه، حاکمیت سیاسی - ایدئولوژیک آمریکا بر اساس این ترفندها با بی‌اعتنایی به فاصله اندک آرای دو رقیب، حکم به ریاست جمهوری بوش داد تا اهداف خود را در پس دکترین نجات به دست کسی که در تبلیغات گسترده، منجی بشر و جهان معرفی شده بود دنبال کند.

جورج بوش متدیست^۱ خودش نیز بر این باور و وهم بود که وی مسیح موعود است و به مثابه یک منجی برای نجات آمریکا و جهان ظهور کرده است.^۲ در دور اول ریاست جمهوری بوش، آمریکا نظر ناتو را برای عملیات گسترده نظامی در جهان اسلام از جمله در عراق و افغانستان به انگیزه نجات مردم این دو کشور و حاکمیت لیبرال - دموکراسی در آن‌ها جلب کرد. هدف اصلی تهاجم در نظر آتش افروزان جنگ، ایران اسلامی بود. آمریکا در نظر داشت جنگ در عراق و افغانستان نوعی دست‌گرمی و آماده شدن برای تهاجم همه‌جانبه و از هر سو به ایران باشد. به روشنی، این هجمه‌ها بنا بود زمینه‌های لازم را برای حمله گسترده به ایران فراهم سازد. عملیات نظامی و تهاجم‌های تسلیحاتی علیه این کشورها تنظیم گردید، گرچه همه این لشکرکشی‌ها با انگیزه نجات انسان‌ها تدارک دیده شده بود.

در داخل آمریکا نیز همزمان با این ترفندها و جنایت‌ها، به اذهان مردم آمریکا رفته‌رفته القا شد که بوش منجی انسان‌هاست و اقدامات جنگ افروزانه او درست و بجاست. حتی در مدارس ابتدایی، ذهنیت کودکان را به این اظهارات سخیف آغشته ساختند. در فیلم مستند *اردوگاه مسیح*، در یک مدرسه ابتدایی، خانم معلمی به نام بکی فیشر به کودکان درس معنویت و دعا می‌دهد و آداب دعا کردن به درگاه خداوند را به آنان می‌آموزد. در این اثنا که ذهنیت

۱. در سال ۱۷۳۸ فرقه متدیست‌ها (Methodists) منشعب از کلیسای پروتستان در انگلستان پایه‌گذاری شد و در ۱۷۸۴ در شهر بالتیمور ایالت مریلند کار خود را در آمریکا به طور رسمی آغاز کرد. در این فرقه اسقف اعظم توسط پیروان انتخاب می‌شود و به صورت مادام‌العمر فعالیت می‌کند. در این مذهب تفسیرهایی بر اساس سنت، عقل و تجربه وجود دارد که همگی از انجیل استنباط شده‌اند. متدیست‌ها به شدت به این نکته معتقدند که زندگی اجتماعی آینه تجلی دین است و هیچ دستوری قابل بحث نیست، مگر این‌که در زندگی روزمره تأثیر خود را نشان دهد. (ویکی‌پدیا: متدیست)

۲. سیمور هرش، روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی در گفت‌وگو با روزنامه *زمان* چاپ ترکیه، به نقل از پایگاه خبری آینده روشن.

کودکان معصوم با مفهوم دعا و آداب دعا آشنا می‌شود، یکی از همکاران فیشر به ناگاه تصویر مقوایی بزرگی از جرج بوش پسر را در مقابل کودکان قرار می‌دهد و به آنان چنین القاء می‌کند که هرچه تا به حال از خدا درخواست می‌کردید از جناب بوش بخواهید که این است آن منجی که جهان را نجات خواهد داد!^۱

۱. نگاهی به فیلم مستند «اردوگاه مسیح»، با نقد سعید مستغانی:

اردوگاه مسیح (Jesus Camp) ساخته هایدی اوینگ و راشل گریدی مستندی صریح، بی‌واسطه و تکان‌دهنده درباره تبلیغ تفکر اوانجلیستی در میان کودکان امریکایی است؛ تفکری که بنیادش بر آموزه‌های صهیونیستی قرار داشته و پیروانش به آخالزمانی مبتنی بر نبرد آرماگدون براساس برپایی مملکت اسرائیل معتقدند تا مسیح موعودشان که به غیر از حضرت مسیح علیه السلام معرفی شده، پس از آن جنگ مهیب و ویران‌کننده - که به قول خودشان در آن، کره زمین تقریباً نابود شده و دوسوم اهالی آن به جزیه‌دیان و اوانجلیست‌ها از بین خواهند رفت - نزول اجلال فرموده و یهودیان باقی مانده که به وی می‌گروند را نجات بخشد! کمپ تابستانی بچه‌ها روی آتش در کنار دریاچه شیطان در داکوتای شمالی امریکا، کمپی است که زن واعظ اوانجلیستی به نام بکی فیشر آن را تأسیس کرده و کودکان را از شش سالگی به آن جا می‌آورد و با آموزش‌های شبانه‌روزی می‌خواهد آن‌ها را به سربازانی برای نبرد آرماگدون تبدیل کند. گفتنی است در فرهنگ سیاسی امروز، اوانجلیست‌ها به صهیونیست‌های مسیحی نیز معروفند.

هایدی اوینگ و راشل گریدی، سه کودک به نام‌های لوی، ریچل و توری را انتخاب کرده و با دنبال کردن آن‌ها به طور موازی، تماشاگر را با فضای کمپ، ایده‌های سیاسی و مذهبی خانم فیشر و سیستم آموزش مذهبی او و مکانیسم تلقین و شستشوی مغزی کودکان در این کمپ آشنا می‌سازد. این کودکان به طور داوطلبانه و با رضایت والدینشان در این اردوگاه شرکت کرده و تحت تعالیم اوانجلیستی قرار می‌گیرند.

در فیلم مشاهده می‌کنیم، خانم فیشر به بچه‌ها می‌گوید که وظیفه دارند جهان را به مسیح موعود بازگردانند و کلید این کار در دست آن‌هاست. او مأموریت خود را مبارزه معنوی می‌خواند و تلاش می‌کند کودکان را از نظر فیزیکی و ذهنی بی‌اختیار کرده و تحت کنترل تام خود درآورد و به این ترتیب آن‌ها را آماده پذیرش ایده‌های صهیونیستی خود کند. هدف وی از ایجاد این کمپ تنها هدایت کودکان در مسیر مذهب نیست، بلکه او می‌خواهد از آن‌ها سربازانی برای آینده بسازد؛ سربازانی برای امثال جورج بوش که بکی فیشر درباره‌اش می‌گوید: خداوند او را برای نجات دنیا و بازگرداندن آن به دست مسیح فرستاده است.

کامل‌روشن است که خانم فیشر اهداف نئوکنسرواتیوهای حاکم بر امریکا را دنبال می‌کند که هرگز طرح و نقشه‌های جنگ‌افروزان خود را برای حمایت از بقای اسرائیل و پیشرفت صهیونیسم در دنیا پنهان نکرده‌اند. از یاد نمی‌بریم که همین جناب جورج بوش در اوایل حاکمیتش بر کاخ سفید، آریل شارون (نخست‌وزیر پیشین اسرائیل و قصاب کشتارهای دسته‌جمعی فلسطینیان) را پدر روحانی خویش خواند!

خانم بکی فیشر در صحبت‌هایش گرایش خود به ایده‌های جورج بوش را انکار نمی‌کند و آشکارا آن را در سخنانش تبلیغ می‌کند. او با لحنی پرشور و هیجان‌انگیز حرف می‌زند تا بتواند کودکان خردسال را تحت تأثیر قرار داده و جذب ایده‌های سیاسی خود سازد. او از جنگ فرهنگی حرف می‌زند و کودکان را از نفوذ شیطان بر حذر می‌دارد. بکی فیشر از روش‌های سمبلیک و ابزارهای ساده مثل بادکنک و عروسک برای جسمیت بخشیدن به مفاهیم خیر و شر استفاده می‌کند. بچه‌ها با چکش، فنجان‌هایی را که نام شیطان روی آن‌ها نوشته شده، می‌شکنند و نام مسیح را فریاد می‌زنند. آن‌ها با شنیدن حرف‌های تهییج‌کننده بکی فیشر، از خود بی‌خود شده، دست‌ها را به سمت آسمان دراز کرده و به نحو هیستریکی ضجه می‌زنند و دوربین همه‌جا با آن‌ها و در کنار آن‌هاست، بدون این‌که لحظه‌ای توجه آن‌ها را به خود جلب کند یا مزاحمشان باشد.

اردوگاه مسیح، مستندی بدون شرح است؛ هیچ تفسیر و توضیحی در کار نیست؛ هیچ نریشنی وجود ندارد؛ فیلم‌سازان مطلقاً خود را نشان نمی‌دهند و حضور خود را به رخ نمی‌کشند یا نسبت به حرف‌هایی که در فیلم زده می‌شود،



افزون بر این، غرب استعماری، در سه دههٔ اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کوشیده است با تولید فیلم‌های هالیوودی دارای مضامین مرتبط با دکترین آخرالزمان و آیین نجات، همچنین با نشر و ترویج مکاتب و مذاهب و فرقه‌هایی که هریک به گونه‌ای سنگ نجات انسان و جهان در آخرالزمان را به سینه می‌زند، فهم و درک جهانی را به جانب غرب به مثابهٔ عامل نجات جهان و انسان جلب کند.

اکنون با عنایت به مفهوم نجات و منجی و با توجه به سوءاستفاده‌های کلانی که از دکترین نجات می‌شود، باید آن را یکی از مدارهای تربیت زمینه‌ساز قرار داد و شرایط و اوضاع و احوال تربیتی را بر اساس آن تنظیم کرد. بدیهی است کسانی که برای زمینه‌سازی در راستای نجات انسان‌ها تربیت می‌شوند باید خود از جمله نجات‌یافتگانی باشند که مراحل کمال انسانی را با تمام توان و با انگیزهٔ عالی طی کرده باشند، وگرنه

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش؟

پیامبران الهی همه عاشق نجات انسان‌ها بودند. اوصیای آن بزرگواران از جمله اوصیای خاتم آنان نیز در راه نجات انسان‌ها از هیچ کوشش و فداکاری و شهادت طلبی دریغ نمی‌کردند. با این وصف، انبیا و اوصیای آنان آگاه بودند که رسالتشان در راستای زمینه‌سازی برای ظهور منجی آخرالزمان است؛ منجی، همان پیشوایی که عصارهٔ تمام پاکی‌ها و سلالهٔ همهٔ پاکان است. آن برگزیدگان الهی به این رسالت خطیر نیز دل خوش داشتند و با کمال

موضع‌گیری نمی‌کنند. به جای آن سعی دارند هر قدر که می‌توانند خود را به بکی فیشرو، کودکان و والدین آن‌ها نزدیک ساخته و تأثیر هولناک حرف‌های فیشرو یاران او در کمپ روی کودکان معصوم و بی‌گناه را به نمایش گذارند. آغاز فیلم «اردوگاه مسیح»، دوربین از بزرگراهی می‌گذرد که تابلوی «خدا امریکا را حفظ کند» در آن کاملاً توجه تماشاگر را جلب می‌کند و صدای مایک پاپانتونیو بر روی این تصویر شنیده می‌شود که می‌گوید: در واقع این مذهب صهیونیست‌های مسیحی است که این کشور را هدایت می‌کند و حاکمان ادعا دارند که همهٔ آن‌چه که انجام می‌دهند، به نام خدا و برای خداست. او می‌گوید: به مردم امریکا می‌گویند که جورج بوش مرد مقدس و برگزیدهٔ خداوند است و آمده است جامعهٔ مسیحی را نه تنها در امریکا، بلکه در تمام جهان ایجاد کند. لوی نوجوانی ۱۲ ساله‌ای است که مانند کشیش‌ها حرف می‌زند و قصد دارد در آینده کشیش شود. او در یکی از وعظ‌های خود در کمپ می‌گوید که نسل او نسلی است که می‌تواند مسیح را بازگرداند. توری نیز دختر ۱۰ سالهٔ یک افسر امریکایی است که به موسیقی‌های هوی متال و راک علاقه‌مند است. در صحنه‌ای از فیلم، یکی از خدمتگزاران اردوگاه، شمایل مقوایی بزرگی از جورج بوش را در مقابل بچه‌ها قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد او را دعا کنند. بچه‌ها نیز دست‌هایشان را به سمت بوش دراز کرده و برای او دعا می‌خوانند؛ حرکتی که بیشتر به پرستش شبیه است تا دعا.

در فیلم گفته می‌شود، این کودکان ارتش مسیحی جمهوری خواهان هستند و باید برای نجات امریکا از شر دشمن و نیروهای ضد مسیح آماده شوند. واعظان کمپ مسیح در سخنان خود آشکارا از تجهیز نظامی این ارتش ایدئولوژیک صهیونیستی در قدم بعدی سخن می‌رانند.

Hamshahrionline. چهارشنبه، ۱۳۸۷/۱/۱۴، کد مطلب ۴۷۴۴۴، با اندکی حذف و تصرف

ارادت و اخلاص، به سهم خویش مجاهدت می‌ورزیدند تا مسئولیت الهی خود را به سلامت به انجام رسانند و در این راه موفق بودند.

اکنون به پشتوانه مجاهدت‌های همه بزرگوارانی که در اندیشه نجات انسان‌ها عمر مبارک خویش را به پایان رساندند باید با تلاش و جدیت به همتی متعالی دست یافت و با عشق، ارادت و اخلاص به تربیت نسلی که بتواند یاور امام زمان در تحقق بخشیدن به آمال و آرزوهای ایشان باشد اهتمام ورزید. افزون بر این، همان‌گونه که در دعاها و زیارت‌نامه‌ها آمده است،^۱ باید ملتسمانه از خدا خواست که ما را در زمره نجات یافتگان حضرت مهدی قرار دهد؛ نجات یافتگانی که با کمال اخلاص در فرمان برداری از مقام آن جناب کوشا هستند.

۵. کمال انگاری؛ توجه به کمال بشر و ملزومات آن در تربیت زمینه‌ساز

میان تربیت زمینه‌ساز و توجه به کمال بشریت ملازمه و همبستگی مثبت برقرار است. هرچه بیشتر به نجات انسان‌ها بیندیشیم کمال انسان‌ها و ملزومات آن بیشتر جلوه‌گری می‌نماید. دوران‌دیشی مریبان ایجاب می‌کند آنان در تدارک تربیت زمینه‌ساز هرگز از نیل تربیت یافتگان خود به کمال الهی و انسانی غفلت نورزند؛ چرا که بی‌توجهی به این عنصر کلیدی تلاش آنان را ناکارآمد خواهد ساخت. دولت کریمه امام زمان علیه السلام به استواری مردان و زنانی استوار و برقرار می‌ماند که در کمال یافتگی، گوی سبقت از اقران خود برده باشند.

چنان‌که گفته شد، تربیت برای نیل به برترین‌ها، بهترین‌ها و مهم‌ترین‌ها از جمله اهدافی است که در فرهنگ تربیت زمینه‌ساز، بیش از حد مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. کمال انسان هم به این است که بر اساس تربیت شایسته و بایسته تا آن‌جا که میسر است به بهترین‌ها و برترین‌ها دست یابد. عصر ظهور عصر برترین‌ها و بالاترین‌هاست؛ عصر برترین و بالاترین رفتار و منش؛ عصر بهترین شخصیت‌ها برای بالاترین مسئولیت‌ها و مهم‌ترین رسالت‌ها، متناسب با جایگاه نظام و دولت مهدوی. به بیانی دیگر، عصر امام زمان علیه السلام عصر کمال انسان و کمال تاریخ و زمین و زمان است. عصر مهدوی عصری است که همه چیز از جمله طبیعت و انسان و پیشرفت و بلندمرتبگی، همه و همه به اوج کمال خود می‌رسند. شایستگی‌های هر چیز و هر موجودی بناست در این عصر به منصه ظهور برسد. این اراده حتمی و محکم الهی است که به اذن خداوند تحقق خواهد یافت. در این عصر حتی زمین و آن‌چه روی زمین یا درون آن است

۱. «و اسألك بحرمة وجهك الكريم... و تجعلني في جملة الناجين به و المخلصين في طاعته...» (قمی، بی‌تا: زیارت ائمه سرمن رأی، زیارت امام هادی علیه السلام)

کمال و شایستگی های خود را بروز خواهد داد تا چه برسد به انسان که همه امور برای او تنظیم و مستقر شده است.

اما تا کنون حریم کمال انسان و تاریخ و جهان از دستبرد شبیخون فرهنگی غرب در امان نمانده است، تا جایی که عوامل فرهنگی غرب در تهاجم خود به فرهنگ و ارزش های اسلام کوشیده اند کمال مادی و معنوی تاریخ را به نفع فرهنگ غرب مصادره و تئوریزه کنند. به عنوان نمونه، به دیدگاه فرانسیس فوکویاما توجه فرمایید که به استناد اندیشه دیالکتیک هگل و در تکمیل آن تلاش کرده است ثابت کند در آستانه هزاره سوم میلادی، همه شاهد شکوفایی و کمال معنوی و مادی جهان و انسان خواهیم بود. فوکویاما بر این عقیده است که هگل فلسفه کمال مادی تاریخ را رقم زد و آن را توجیه و تأیید نمود. پس از آن تا زمان حاضر انسان در تدارک و تأمین کمال معنوی تاریخ بوده است. تاریخ بدین منوال با شکوفایی نظام لیبرال - دموکراسی در غرب شاهد ظهور و بروز کمال معنوی خود است. لیبرال - دموکراسی به سرکردگی غرب قدرتمندی چون امریکا بناست به مثابه جامع کمال مادی و معنوی تاریخ، فصل الخطاب همه نظام های سیاسی و حکومت ها در سطح و گستره جهان باشد و سرمشق همه دولت ها قرار گیرد. فوکویاما تأکید می کند که با رشد و توسعه اندیشه هگل و شکوفایی لیبرال - دموکراسی در غرب و انتشار آن در جهان، تاریخ به فرجام و سرآمد مطلوب و در نتیجه به کمال مادی و معنوی خود رسیده است (نک: لاریجانی، ۱۳۷۴: ۱۸۳ و ۲۶۹ - ۲۸۰).

این نمونه ای از خروارها ترفندهای شیطانی است که توسط غرب تولید و ترویج می شود تا اذهان و افهام بشر از همه جا منصرف و به جانب غرب به اصطلاح لیبرال - دموکرات منصرف گردند. این اندیشه های اهریمنی چندین بار تا کنون از جانب غرب استعمارگر با شیوه های گوناگون و فنون رنگارنگ بازتولید و بازسازی شده و به افکار عمومی جهانیان بی خبر تزریق گردیده است. این ها نشان می دهد که تا چه اندازه باید با بصیرت بود و هشیارانه عمل کرد، مبدا ذهن و خیال ما در هجمه فرهنگ و اندیشه غرب تخریب و تضییع شود. اکنون می فهمیم چرا معصومین علیهم السلام این همه ما را از غفلت و درگیر شدن در اندیشه و رفتار بیگانگان برحذر داشته و نسبت به فتنه های بزرگ آخرالزمان هشدار داده اند (برای مثال، نک: مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۱، ۶۸-۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۵۸؛ ابن حماد، ۱۹۹۷: ۲۸؛ مقرئ دانی، ۲۰۰۸: ۳۵).

در برابر تمام ترفندها و فتنه های ویران گر، عصر ظهور را باید از سویی عصر شکست هیمنه شیطان و عصر ابطال همه فتنه ها دانست و از سوی دیگر، عصر شکوفایی همه کمالات و برجستگی های ممتاز انسان برشمرد. با توجه به چنین رویداد عظیم و بلند مرتبه ای است که

تربیت زمینه‌ساز از هم‌اکنون تا زمان ظهور باید کمال محور باشد و در هر زمینه و با هر گرایش و به هر شیوه‌ای به مراحل کمتر از مرحله کمال یافتگی بسنده نکند.

۶. تحول‌مداری؛ تحولات شگرف فراروی انسان و جهان در عصر ظهور

تحولات جهانی در آستانه ظهور و پس از ظهور آن چنان چشمگیر و خیره‌کننده و بدون سابقه هستند که گویا جهان از نو تولد یافته است. فکر و اندیشه و هنر و معرفت انسان‌ها نیز آن چنان بالنده و کمال یافته است که گویا انسان‌ها از نو به دنیا آمده‌اند. جهان آلوده به کفر و کافر، جهان مرده‌ای بیش نیست. وقت ظهور که کفر و کافر از جهان رخت بر بندد، زمین زندگی دوباره می‌یابد.^۱ در روایات مربوط به عصر مهدویت عباراتی به چشم می‌خورد که مضامینی چون بهار انسان‌ها و خرمی دوران‌ها،^۲ تولد دوباره، تجدید حیات، نوآوری، شکوفایی و نظایر آن را تداعی می‌کنند. این گزاره‌ها و واژه‌ها با مضامینی که ترویج می‌کنند بیان‌گر این واقعیتند که با ظهور امام زمان علیه السلام اسلام و قرآن و ارزش‌ها و مسلمانی و زمین و زمان و مکان حیات دوباره می‌یابند.

تعبیر به حیات دوباره از این منظر است، که نمی‌توان پیشینه‌ای برای تحولات شگرفی که در اندیشه و سبک زندگی بشر روی زمین رخ می‌دهد پیدا کرد. هرچه هست به برکت سرآمدن فرج و ظهور و حضور حجت خدا بر روی زمین است. حضرت ولی عصر علیه السلام از این نظر که وجود مبارکش مظهر و تجلی اسم اعظم الهی است، تمام کمالات را داراست و از این رو مایه تأمین حیات معنوی و سرچشمه آب زندگانی و به بیانی حقیقت آب حیات هستند (نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). با ظهور حضرت مهدی علیه السلام اسلام از غربت دیرینه خود نجات می‌یابد و حقایق از اسلام که تا آن زمان برای همه کس پوشیده مانده است آشکار می‌گردد و اسلام رنگ و روی تازه می‌گیرد تا آن جا که به خیال عده‌ای امام زمان علیه السلام دین جدیدی ارائه داده است! (همو: ۲۶۵)^۳

اساساً سیره امام زمان علیه السلام بر این است که همچون جد بزرگوار خود با تمامی خرافه‌ها و موهوم پرستی‌ها مبارزه کند و سنت‌های جاهلی را که به نام اسلام رواج یافته و ساحت دین را

۱. قال الباقر علیه السلام: «يُخَيِّبُهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْقَائِمِ علیه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا [تَعْنِي] بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ.» (صدوق، ۱۳۹۶ - ب: ج ۲، ۳۸۵)

۲. «السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ؛ سلام بر بهار انسان‌ها و خرمی دوران‌ها.»

۳. قال الباقر علیه السلام: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطَوَّبَى لِلْغُرَبَاءِ.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰)

مخدوش ساخته است ابطال فرماید و اسلام را به صورتی نو و طرحی جدید ارائه دهد. اسلام در عصر ظهور با شکل و طرح جدید خود از جذابیت‌های ویژه‌ای برخوردار است که هرگز نمی‌توان نمونه و مثالی برایش در نظر گرفت (نک: همو).^۱

با توجه به چنین برداشت‌هایی است که تربیت زمینه‌ساز ظهور بسیار موضوعیت می‌یابد و حساسیت بالایی دارد. مگر می‌شود به یک چنین واقعیت‌هایی امیدوار بود، اما متناسب با ظهور و بروز آن‌ها تدارکی ندید و برنامه‌ای تنظیم نکرد؟ برنامه‌های تربیتی همیشه تابعی از اهداف و اغراض و مقاصد تربیتی هستند. مریبان بسته به این‌که چه هدفی را از تربیت انسان‌ها دنبال می‌کنند، برای تربیت آنان برنامه‌ریزی می‌نمایند. به عبارتی، برنامه‌های تربیتی درست باید در راستای تأمین اهداف تربیتی باشند. بدین ترتیب، هنگامی که بناست به استقبال ایام فرخنده و پرافتخاری برویم که زمین و زمان و انسان و جهان تازه می‌شوند، باید به فکر چاره بود و برای ورود به چنین ایام مبارکی خود را آماده ساخت و به منظور تحقق هرچه سریع‌تر چنین دوران خرم و بهاری، خویشتن را تربیت نمود. تربیتی بر این اساس زمینه‌ساز است که روند تازه و سرآمدی را نسبت به همه روندهای جاری و متعارف آغاز کند و نتایج آن در تحقق منویات و مقاصد امام زمان علیه السلام مؤثر باشد. هنگامی که حضرت ظهور فرماید، دین مبین اسلام شاخ و برگ تازه می‌آورد. در این صورت، تمامی علف‌های مزاحم و هرزی که در طول دوران غیبت کبرا به دامن اسلام چسبیده‌اند ریشه‌کن گردیده، از تنه استوار اسلام ناب زدوده می‌شوند. به منظور پاسداری از درخت پاکیزه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در عصر ظهور، لازم است نسلی تربیت شوند که توانایی درک این موقعیت و توان و لیاقت و قابلیت حراست از چنین هنگامه عظیمی را داشته باشند. این امر میسر نمی‌شود مگر به مدد تربیتی که منتظران ظهور و فرج امام زمان متناسب با وضعیت و تربیت جدید به دست آورده‌اند.

از همه گذشته، جوامع بشری پس از دوران متمادی تجربه‌های بی‌شمار، در انتخاب الگو و شیوه زندگی به نقطه‌ای می‌رسند که احساس می‌کنند باید فضای تازه‌ای را گشود و در هوای تازه‌ای نفس کشید. به یمن ظهور و به برکت نفس قدسی امام زمان علیه السلام روح تازه‌ای در کالبد جهان دمیده می‌شود، اسلام و قرآن از نو حیات و خرمی می‌یابند^۲ و به انسان و جهان حیات

۱. قال الصادق علیه السلام: «... یَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَهْدُمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْتِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۰)

۲. «السلام عليك يا أبا الإمام المنتظر الظاهرة للعاقل حجته ... والمعید ربنا به الإسلام جدیداً بعد الإنطماس و القرآن غضا بعد

دوباره می بخشند. تربیت زمینه ساز از یک منظر می خواهد زمینه ساز و تحقق بخش چنین عصر و هنگامه با عظمتی باشد؛ هنگامه ای که صاحبش به حق بهار خلائق و خرمی روزگاران است.

۷. رعایت حق التقوی؛ تربیت زمینه ساز بر اساس تقوای گام به گام و فراگیر

در نقطه مقابل دام ها و گام های شیطانی، آن چه مربیان تربیت زمینه ساز باید از عهده انجامش برآیند و فرگیران مستعد را به مفاد آن و به منظور تحقق ارزش های برگرفته از آن تربیت کنند، عبارت است از تربیت به مفاد آیه قرآن که اهل ایمان را به رعایت حد اعلای تقوای الهی و پایداری بر اسلام و مسلمانی سفارش می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۲)

حق التقوی مراعات همه الزامات تقوایی در تمامی احوال و شرایط و مناسبت هاست؛ تقوا در ارتباط با خداوند، تقوا در ارتباط با خود، تقوا در ارتباط با دیگران، تقوا در ارتباط با آفرینش و آفریده ها و اشیا و پدیده ها. از اهل ایمان خواسته شده است حق التقوی را - آشکارا و نهان - از همه جنبه های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مراعات کنند. حق التقوی شعار تقوایی در همه ساحت ها و از تمامی جنبه های زندگی است، به گونه ای که نه تنها اعمال و رفتار اعضا و جوارح را دربر می گیرد، بلکه مشتمل بر تقوا در ناحیه خیال، اندیشه، احساس، هیجانات، عواطف، امیال و آرزوها نیز هست. با این بیان، رعایت حق التقوی در کنار سایر اصول، حد نصاب لازم برای تربیت زمینه ساز محسوب می گردد. قرآن در ادامه سفارش به حق التقوی، فرمان به اعتصام به حبل المتین الهی می دهد که به تعبیر روایات منظور همان توسل و چنگ زدن به ریسمان محکم و راستین قرآن و ولایت اهل بیت علیهم السلام است.^۱

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۳)

۱. ایندرا. «(قمی، بی تا: مفاتیح الجنان، زیارت ائمه سر من رأی، زیارت امام حسن عسکری علیه السلام) برای مثال نک: روایتی از امام صادق علیه السلام که ائمه اطهار علیهم السلام را حبل المتین الهی می داند، آن جاکه می فرماید: «نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ فِيهِ: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً﴾» (طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۸۲). در روایتی دیگر، حضرت با اشاره به دو نمونه حبل الهی و انسانی مورد نظر قرآن، «حبل من الله» را قرآن و «حبل من الناس» را امیرالمؤمنین علی علیه السلام معرفی می کند: «عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله: ﴿إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾ قال: الحبل من الله كتاب الله والحبل من الناس هو علی بن ابی طالب علیه السلام» (همو: ج ۳، ۳۸۳).

به طور قطع، رعایت تقوای الهی در ارتباط با خداوند، پیامبران، امامان و اولیای الهی، به ویژه نسبت به شخص و شخصیت حضرت ولی عصر علیه السلام و خلافت و ولایت و حکومت جهانی آن حضرت از جمله مصادیق و موارد بارز و برجسته حق التقوی به شمار می رود. از همه مهم تر، آن گونه که از ادامه آیات قرآنی به دست می آید، پایبندی به دین حنیف اسلام با همه لوازم و آثار آن، همچنین چنگ زدن به حبل متین الهی - به بیانی که گذشت - همه در راستای نیل به حقیقت تقوا و زمینه سازی برای عصر ظهور، از لوازم روشن حق التقوی به شمار می روند.

۸. التزام به حق الجهاد؛ تربیت زمینه ساز تربیت مجاهدان راستین

تحقق هنگامه عظیمی چون ظهور امام زمان علیه السلام بیش از هر عاملی در گرو همت والای مجاهدان راستین راه خداست؛ مجاهدانی که نه تنها از مال و جان و هستی خود که حتی از نام و نشان و اعتبار و تمامی آن چه رنگ خودی و خودپرستی دارد می گذرند تا رضای الهی را به دست آورند. اینان همواره در میدان جهاد اکبر، در جدال با هواهای نفسانی و امیال شیطانی، چه پیش از جهاد اصغر و مبارزه با دشمنان بیرونی و چه پس از آن، موفق و سربلند و پیروزند. اینان مورد تحسین و تجلیل پیامبرند که در گرامی داشتشان فرمود:

أفرین بر مردمی که جهاد کوچک تر را [با موفقیت] به انجام رساندند و [رسالت] جهاد بزرگ تر همچنان بر دوششان باقی مانده است.^۱

این مجاهدان سرافراز می توانند از مصادیق بارز و مسلم این آیه از قرآن باشند که فرمود:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ (بقره: ۲۰۷)

و از میان مردم کسی هست که خویشتن را به بهای دریافت خشنودی خداوند [با وی] معامله کند و خداوند نسبت به بندگانش بسیار مهربان است.

این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام و درباره ائمه و فداکاری ایشان در لیلۃ المبیت نازل شده است (نک: سبحانی، ۱۳۷۴: ۴۵ - ۵۷؛ امینی، ۱۳۹۸: ج ۲، ۴۹ - ۴۷؛ غزالی، بی تا: ج ۳، ۳۷۸؛ ابن جوزی، بی تا: ۳۵؛ حاکم حسکانی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۱۲۳، ش ۴)، با این وصف شامل حال مجاهدانی نیز می تواند باشد که بسته به ظرفیت وجودی خود برای مجاهدت خویش جز

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَنْ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله بَعَثَ سَرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ. (حر عاملی، ۱۴۱۴: کتاب الجهاد، باب جهاد النفس و ما یناسبه،

رضای الهی منظور دیگری در سر نمی‌پروراندند. کسانی از مجاهدان راه خدا که به این مقام برسند، به مقامی که جز خدا را درک نکنند و جز به رضایت او نیندیشند، در حقیقت حق جهاد الهی را ادا کرده‌اند و به این سفارش قرآن پاسخ مثبت داده‌اند که فرمود:

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾. (حج: ۷۸)

مترجمان قرآن کریم، «جاهدوا فی الله» را به مثابه «جاهدوا فی سبیل الله» برشمرده‌اند، گو این‌که در مقام ترجمه «فی الله» کلمه «سبیل» را مستتر دانسته‌اند. هر چه باشد تعبیر «فی الله» به جای «فی سبیل الله» تعبیر بسیار ظریفی است که هرگز نباید از این ظرافت و فلسفه آن غافل ماند. ظرافت چنین تعبیری در این است که بیان‌گر شدت تعلق خاطر مجاهدان راستین به خداوند بوده، ذوب شدن آنان در وجود خداوند را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. پیرو برداشت از آیه بالا، این تعلق خاطر به خداوند در واقع شرط اساسی سرافرازی مجاهدان راستین خدا، راه ورود به ملیت و آیین حنیف پدر آیین‌های الهی حضرت ابراهیم علیه السلام معیار سنجش اعتبار مسلمانی مسلمانان به اسلام ابراهیمی، ملاک شأنیت گواه مردم دنیا واقع شدن و رمز پذیرش ولایت الهی و توفیق درک نصرت خداوندی به شمار می‌رود. در آیه فوق به این امور ویژه اشاره رفته است؛ اموری که با اصول و مقاصد تربیت زمینه‌ساز نیز تناسب و سنخیت دارند و برای تدارک عصر ظهور بسیار حیاتی و مهم به نظر می‌رسند. در تربیت زمینه‌ساز چنان‌چه حق جهاد در راه خدا آن چنان که شایسته و بایسته است ادا نشود، ثمره‌ای به بار نخواهد نشست و ظهور و فرجی به وقوع نخواهد پیوست. بدین ترتیب، یکی دیگر از حد نصاب‌های لازم در تربیت زمینه‌ساز رعایت حق جهاد و آماده‌سازی تن و جان و روان برای معامله با خداوند است؛ حقیقتی که یاران و همراهان حضرت ولی عصر علیه السلام به آن آراسته و پایبندند.

۹. عاشوراگرایی؛ تربیت زمینه‌ساز با الهام از زیارت عاشورا

اگر کسی بخواهد با فرهنگ شیعه آشنا شود، لازم است به زیارت عاشورا مراجعه کند؛ چون زیارت عاشورا پیش از آن‌که زیارتنامه‌ای برای شیعه باشد، فرهنگ بسیار والا و راستین تشیع ناب است؛ زیارت عاشورا پیش از آن‌که دفتری از حوادث باشد، دانشگاهی سرشار از ارزش‌ها و فضیلت‌های باشکوه و استوار است. برداشت از مکتب متعالی قرآن و اهل‌البیت علیهم السلام بدون

توسل و توجه به زیارت عاشورا و بدون تمسک به فرهنگ عاشورایی ابتر و ناتمام است. در زیارت و فرهنگ عاشورا، روح و شور حسینی در جریان است و از این رو چنین زیارتی مهد پرورش مرام، سیرت، خلق و خو، ادب، کمال، جلال و جمال حسینی بوده، هست و خواهد بود. زهی سعادت شیعیان که از برکات فراوان فرهنگ عاشورایی برخوردارند و از مضامین بلند آن بهره می‌برند و در همهٔ امور، به‌ویژه به هنگام تنگناها و در رویارویی با چالش‌ها و بحران‌ها به مدد آن به‌پا می‌خیزند و با الهام از آن، رسالت الهی خویش را در هر نقطه‌ای از جهان و در هر قطعه‌ای از زمین به انجام می‌رسانند!

از جمله مهم‌ترین و در عین حال مخاطره‌انگیزترین رسالت‌های شیعیان، فراهم‌سازی زمینه‌ها برای تحقق عصر ظهور و به وقوع پیوستن فرج پیشوای منصور و ظفرمند زمین و زمان و راهبر و راهنمای خلق جهان، حضرت ولی عصر علیه السلام است. همان‌گونه که یار و جان‌نثار حضرت سیدالشهدا علیه السلام بودن و زمینه‌سازی برای قیام الهی ایشان شرایط و لوازمی دارد، یار امام زمان علیه السلام بودن و وفاداری نسبت به ساحت قدسی آن بزرگوار و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت نیز منوط به شرایط و لوازم ویژه‌ای است که از زیارت عاشورا و سیرهٔ حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای ایشان الهام می‌گیرد. زیارت عاشورا هم از این جنبه مورد توجه و استناد است که همهٔ این شرایط و لوازم را یک‌جا دربر دارد.

شرایط و لوازم مزبور دارای مضامین بلندی است که در راستای تربیت زمینه‌ساز از اعتبار و کارآمدی خاصی برخوردار است. از این رو، زیارت عاشورا را باید بهترین الگو و کامل‌ترین سند برای استنباط، تبیین و تفسیر ارکان اساسی تربیت زمینه‌ساز دانست. چه بسا راز توصیه و تأکید حضرت ولی عصر علیه السلام بر مداومت بر زیارت عاشورا به همین معنا و حقیقت برگردد. در این زیارت بلند مضامین، حقایق دوسویه‌ای چون عاشورای حسینی و قیام مهدوی، غیبت و ظهور، شهادت و انتظار، حسینی بودن و مهدوی شدن با شکوه تمام در تجلی است. گو این‌که زیارت عاشورا پیش‌نیاز اصلی، بلکه اساسنامهٔ تربیت زمینه‌ساز است. در این جا با مروری به زیارت عاشورا، به مهم‌ترین موارد از این حقایق دوسویه اشاره می‌کنیم و تفصیل مطالب را به مجال دیگری وامی‌گذاریم. به بیانی روشن‌تر، روحیه، احساس، اندیشه و رفتار انسان‌های تربیت یافته به تربیت مهدوی در پرتو زیارت فرهنگ‌ساز عاشورا با اوصاف و ویژگی‌های زیر توصیف می‌گردد:

۱. ولایت‌مداری نسبت به امام در سه محور: قلبی، زبانی، رفتاری؛^۱

۱. «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمَوْلَانِكَ»، «وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى

۲. برائت جویی از دشمنان امام در سه محور: قلبی، زبانی، رفتاری؛^۱
۳. شهادت طلبی در راه تحقق آرمان‌های امام؛^۲
۴. سلم و وفا با هر کس نسبت به امام تسلیم و وفادار است؛^۳
۵. جنگ و ستیز با هر کس با امام در جنگ و ستیز است؛^۴
۶. در آرزوی قیام در رکاب امام زمان علیه السلام برای خون‌خواهی خون سیدالشهدا علیه السلام؛^۵
۷. با گام‌های راستین و استوار در پیروی از امام زمان علیه السلام؛^۶
۸. تمنای آبرومندی و وصول به مقام قرب و همجواری با امام؛^۷
۹. در اندیشه گزینش الگوی سبک زندگی با الهام از حیات و شهادت اهل‌البيت علیهم السلام؛^۸
۱۰. در انتظار فرجامی شایسته و شکوهمند برای پیروزی حق بر باطل و اعتلای حق و سرنگونی باطل.^۹

الله ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاةِكُمْ وَ مَوْلَاةِكُمْ وَ لِيْلِكُمْ»؛ «إِنِّي ... وَلِيْلِي لِمَنْ وَالَاكُمْ» و ...

۱. «فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَشْسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الجَوْرِ عَلَیْكُمْ أَهْلَ البَیْتِ وَ ...»؛ «تَبَرَّأْتُ إِلَى اللهِ وَ إِلَیْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْبَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِیَائِهِمْ»؛ «وَ زَرَقْنِي البِرَاةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ» و ...
۲. «وَ أَسْأَلُهُ أَنْ یُبَلِّغَنِي المَقَامَ المَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللهِ»؛ «اللَّهُمَّ اجْعَلْ ... مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ...
۳. «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلْتَهُ».
۴. «إِنِّي ... حَزَبٌ لِمَنْ حَازَبْتَهُ».
۵. «فَأَسْأَلُ اللهَ ... أَنْ یَزُقَّنِي طَلَبَ تَارِكٍ ...»؛ «وَ أَسْأَلُهُ ... أَنْ یَزُقَّنِي طَلَبَ تَارِكٍ ...».
۶. «فَأَسْأَلُ اللهَ ... أَنْ یَثْبِتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صَدَقٍ فِي الدُّنْیَا وَ الآخِرَةِ»؛ «وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صَدَقٍ عِنْدَكَ مَعَ الحُسَیْنِ وَ أَصْحَابِ الحُسَیْنِ ...».
۷. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَ جِیْهًا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْیَا وَ الآخِرَةِ»؛ «وَ أَسْأَلُهُ أَنْ یُبَلِّغَنِي المَقَامَ المَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللهِ».
۸. «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخِیَاتِي مَخِیَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ...
۹. «... وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى یَأْذَنَ اللهُ لَكُمْ» (قمی، بی تا: زیارت اربعین) «... وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى یَحْكُمَ اللهُ وَ هُوَ خَیْرُ الحَاكِمِیْنَ» (همو: زیارت حضرت عباس علیه السلام).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی وَلَیْكَ وَ ابْنِ أَوْلِیَائِكَ، الَّذِیْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَ أَدَهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیرًا، اللَّهُمَّ انصُرْ وَ انصُرْ لِیَدِیْكَ، وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِیَاءَكَ وَ أَوْلِیَاءَهُ وَ شِیْعَتَهُ وَ انصَارَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ ظَاغٍ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِیعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِیْنِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ یُوصَلَ إِلَیْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَ آلَ رَسُوْلِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ العَدْلَ وَ أَيْدُهُ بِالتَّصَرُّ وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخذُلْ خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الكُفَّارَ وَ المُنَافِقِیْنَ وَ جَمِیعَ المُلْجِدِیْنَ حَبِثْ كَانُوا وَ أَبِیْنْ كَانُوا مِنْ مَسَارِقِ الأَرْضِ وَ مَعَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِیْنَ نَبِیِّكَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ انصَارِهِ وَ اغْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِیْعَتِهِ وَ ارْبِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا یَأْمُرُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا یَحْذَرُونَ إِلَهَ الحَقِّ آمِیْن. (همو: دعای امام حسن عسکری علیه السلام)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی حُجَّتِكَ وَ وَلَیْكَ القَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَامَّةً نَامِیَةً بَاقِیَةً تُعْجَلُ بِهَا فَرَجُهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْیَا وَ الآخِرَةِ»؛ «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی وَلَیِّ أَمْرِكَ القَائِمِ المَوْمِلِ وَ العَدْلِ المُنْتَظَرِ ... اسْتَخْلِفُهُ فِي الأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنْ لَهُ دِیْنَهُ الَّذِی ارْتَضَیْتَهُ لَهُ أَيْدِلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا... وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا یَسِیرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِیرًا...»؛ «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَیْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِیْمَةٍ نُعِزُّ بِهَا الإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ نُذِلُّ بِهَا التِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ ...» (همو: دعای افتتاح)



موارد بالا و موارد دیگری از این دست، یک به یک باید در دستورالعمل مدرسان و مربیان و فراگیران تربیت زمینه‌ساز قرار گرفته، مو به مو اجرا گردند و به مفاد آن‌ها عمل شود تا نسلی متناسب با عصر ظهور پدید آید و هنگامه ظهور سعادت‌آفرین مهدوی فرا رسد.

۱۰. باور راسخ به اراده و مشیت الهی؛ تربیت زمینه‌ساز به انتخاب الهی

پایان بخش و بسیار تعیین کننده و با اهمیت این که حکومت جهانی امام زمان علیه السلام به مثابه حاکمیت الهی در همه عرصه‌ها و ساحت‌های زندگی این جهانی و آن جهانی بشری است. قلمرو تربیت زمینه‌ساز نیز باید دست کم بخش وسیعی از این عرصه‌ها و ساحت‌ها را پوشش دهد. ما بر این باوریم که هرچند بسیاری از امکانات و لوازم تربیت زمینه‌ساز در اختیار مربیان و متربیان قرار دارد، اما تجلی روح و مفاد و حقیقت تربیت زمینه‌ساز هرگز با معیارهای انسانی قابل درک و سنجش و ارزیابی نیست. از این رو، تحقیق و تحصیل آن در چارچوب خواست و تأمل و طرح و برنامه انسانی نمی‌گنجد. سرآمدن انتظار و فرا رسیدن هنگامه ظهور و تحقق امور و جریان‌های وابسته به آن، همچون سایر سنن الهی از اول هم بنا نبوده در اختیار بشر قرار گیرد، بلکه از اساس مربوط به اراده و مشیت خداوندی است؛ اراده و مشیتی که ذهن بشر از درک آن کوتاه و ناتوان است. اموری چون امدادهای الهی و عنایات و الطاف ویژه خداوندی، همچنین جریان‌هایی که جز به قدرت یا کرامت و اعجاز الهی پدیدار نمی‌شوند، همه از جمله مواردی است که هیچ عامل انسانی یا طبیعی را یارای پرداختن به آن‌ها نیست.

در مجموع، یک سلسله از افعال و اعمالی که مستقیماً به خود خداوند نسبت داده شده است، همه از حد و توان درک و فهم و توانایی بشر خارج است. این که وقت ظهور کی و چگونه خواهد بود، این که یاران حقیقی امام زمان علیه السلام و تربیت‌یافتگان عصر ظهور چه تعداد و چه کسانی خواهند بود و این که حضرت ولی عصر علیه السلام به چه سبکی جهان را اداره خواهد فرمود و چگونه احکام و قوانین الهی را در گستره جهانی اش اجرا خواهد کرد، همه از جمله امور و برنامه‌هایی است که از ساحت و قلمرو درک و توانمندی انسانی فراتر است. این که خداوند هرگاه مشیتش تعلق گیرد ظهور تحقق می‌یابد، این که خداوند زمین را پربرکت می‌گرداند، این که نیروی هر انسان مؤمن پرهیزکار با نیروی چهل نفر یا بیشتر برابری کند، این که عقل و درک معرفت بشر بسیار بالا خواهد رفت، این که ۲۵ رشته علمی باقی مانده از ۲۷ رشته به اراده و اذن خداوند به دست مبارک امام زمان علیه السلام رمزگشایی خواهد شد، این که بسیاری از راز و رمزهای عالم به تدبیر و خلاقیت ایشان آشکار خواهد شد و... همه بیان‌گر شگفتی‌هایی است

که عقل بشر عادی به آن نمی‌رسد و ذهن قاصر انسانی از احاطهٔ بر آن عاجز و درمانده است. تجلی آثار و مظاهر تربیت زمینه‌ساز نیز از جمله اموری است که مشیت الهی در آن تأثیر دارد؛ زیرا مشیت الهی نه تنها پایان بخش سلسلهٔ اسباب و عوامل تربیت زمینه‌ساز است، بلکه همچون روح در کالبد همهٔ آن‌ها سریان و جریان دارد. سنت الهی سبب و مسبب^۱ همهٔ امور عالم را بر مدار توحید و ولایت الهی مستقر می‌سازد، به گونه‌ای که هیچ امری پدید نمی‌آید، مگر بسته به اسباب و عواملی که آن اسباب و عوامل به جای خود به ارادهٔ الهی و اذن و مشیت خداوندی سامان می‌یابند و سامان بخش امور مترتب بر خود هستند. از منظر توحیدی، این حقیقت بدین معناست که همهٔ امور تنها و تنها به خواست و ارادهٔ خداوند ایجاد می‌شوند و جریان می‌یابند. از آن گذشته، حتی کوچک‌ترین تغییری در گوشه‌ای از جهان رخ نمی‌دهد، مگر به مشیت و اذن الهی. این سنت حتمی و قانون خدشه‌ناپذیر به نوبهٔ خود مشتمل بر نکات بسیار دقیق و ظریفی است که درک و فهم آن‌ها در تربیت روح و روان متفکران و خردمندان بسیار مؤثر است. به گزاره‌های زیر توجه فرمایید:

- خداوند در تمامی صحنه‌های عالم حضور فعال و با اراده دارد.

- افعال خداوند اصول مند و قانون مند است.

- خداوند بر همهٔ اسباب و عوامل اشراف و نظارت دارد.

- خداوند سلسلهٔ اسباب را با حکمت بالغهٔ خویش تدبیر می‌کند.

- خداوند هر سببی را متناسب با پیامدش به کار می‌بندد.

- خداوند هرگز از تدبیر و ادارهٔ امور و اسباب آن‌ها غافل و عاجز نبوده و نخواهد بود.

این‌ها همه از جمله اموری است که نه تنها روح ایمان به خدا و توکل بر ذات اقدس او را در جسم و جان و روح و روان انسان می‌دمد و در برابر بحران‌ها و حوادث سهمگین به وی نوید و صیانت می‌بخشد، بلکه او را در برابر غرور و خودپسندی و خودپرستی قرنطینه و ضربه‌ناپذیر می‌سازد. کسانی هستند که از روی تکبر و غرور، خود را همه‌کاره می‌دانند و برای خداوند هیچ نقش و ارزش وجودی قائل نیستند؛ این افراد خیال می‌کنند کیستند که این همه غرور دارند و جاه طلبند؟

به هر حال، انسان تربیت یافته برای عصر ظهور همواره خود را در محضر الهی و تحت اشراف و نظارت و اراده و تدبیر او می‌بیند و آنی حتی یک چشم به هم زدن از یاد او غافل

۱. اشاره به سنت الهی «أبی الله أن یجری الأمور الا بأسبابها». (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۹۰، ۱۴ و ۱۵، ۱۶۸، ح ۱)

نمی‌ماند. وی وجود و دارایی و هستی‌اش را عین الربط به خداوند می‌داند و هرگز نه برای خود، که برای هیچ‌کس و هیچ موجودی استقلال وجودی قائل نیست. باورهای ایمانی و روحیه ربانی و توان جوارحی و جوانحی چنین شخصی مثال زدنی خواهد بود و وجود و رفتارش اسوه اهل ایمان و نسل منتظر قرار خواهد گرفت. او همواره با رعایت حق التقوی و با استعانت از خدا و توسل به اولیای الهی، در راه آن ذوالجلال و الإکرام بی‌وقفه تلاش می‌کند و خویشتن را به خدا وامی‌گذارد و ثمرات و نتایج مترتب بر حق الجهاد را از درگاه الهی مسئلت می‌نماید.

نتیجه

نسل‌هایی که برای امام زمان علیه السلام و تحقق اهداف متعالی و منویات عالیة ایشان خود را تربیت کرده‌اند، مجاهدان پاکبازی هستند که در هر دو عرصه پیکار بی‌امان با کفر و نفاق بیرونی و درونی مدال پرافتخار جهاد اصغر و جهاد اکبر را بر گردن خود آویزان کرده‌اند. اینان مشمول عنایات الهی و الطاف حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام قرار گرفته‌اند و قطعاً ادعیه زاکیه آن بزرگواران شامل حالشان بوده است. آنان خود خواسته‌اند که چنین باشند و آرزو کرده‌اند که چنان گردند، خداوند نیز از توجه به آنان هرگز غافل نمانده است و الطاف بی‌کران خود و اولیای خویش را بر سر و روی آنان بارانده است. اینان کسانی هستند که خداوند نه تنها یک مرتبه، بلکه هر روز و نه تنها هر روز یک نوبت، بلکه روزی هفتاد مرتبه به آنان می‌نگرد و به وجودشان پیش روی ملائکه مباهات می‌ورزد.^۱

نسل عصر ظهور در شایستگی‌های روحی و معنوی و روحانی یادآور یاران شیدا و باوفای جد بزرگوار امام زمان علیه السلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام هستند. اینان هرگز و در هیچ شرایطی از راهی که برگزیده‌اند باز نمی‌گردند و از حقیقتی که به آن پیوسته‌اند انحراف نمی‌یابند. در مسیر حق هیچ سرزنش و ملامتی آنان را سست نمی‌سازد و از هیچ عاملی کمترین هراسی به دل راه نمی‌دهند. اینان پایداری و استواری را درس داده‌اند و با قامت رسای خود همچنان پویا و پرتحرک در انجام رسالت الهی خود از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند. اینان همچون کوهی راسخ و پابرجا هستند که در برابر تندبادهای ویران‌گر و از جای برکن هرگز حرکت و تزلزلی نخواهند داشت. اینان همچون ابرهای پرباد و متراکمی هستند که بر سرزمین‌های تفتیده و خشکیده می‌بارند و همه جا را خرم و سرسبز می‌سازند. اینان به سان چشمه‌ساران جوشان و خروشان هستند که

۱. «أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً وَأُكَلِّمُهُمْ كُلَّمَا نَفَّذْتُ إِلَيْهِمْ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۷۴، ۲۳)

کام‌های تفتیده و تشنه‌ خلاق را از زلال آب گوارای معرفت سیراب می‌گردانند. اینان کسانی هستند که جمجمه‌های خویش را به خداوند سپرده‌اند و در سر خویش هوایی جز هوای وصال او ندارند و به کسی جز او نمی‌اندیشند.^۱ اوصاف و ویژگی‌های پرهیزکاران در زبان امیرمؤمنان علیه السلام^۲ در توصیف اینان به کار می‌آید و تعریف و تمجید قرآن و اهل البیت علیهم السلام از مؤمنان حقیقی در وجود اینان مصداق می‌یابد. جهان به یمن قدوم اینان آفریده شده است و انسانیت به گل وجود ایشان شرافت و کرامت یافته است و فرشتگان با زیارت اینان در درگاه خداوندی نسبت به پریشی که در بدو آفرینش انسان کرده‌اند مجاب و قانع گشته‌اند.^۳

اگر چنین تربیت‌یافتگان زمینه‌سازی نمی‌بودند، ظهور و فرجی در میان نمی‌بود و ورقی به زمین و زمان و عالم امکان نمی‌خورد. اینان هستند که یک نفرشان برابر یک ملت است و از عهده اداره یک ملت به خوبی و شایستگی تمام برمی‌آید. بنا نبوده و نیست که حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام از راه اعجاز و کرامت جهان را اداره کنند. آنچه مقدر الهی است این است که جهان با امامت امام زمان علیه السلام به طور متعارف و با همراهی و کمک یاران باوفای ایشان اداره شود. تعداد اندک این یاران هرگز موجب نمی‌شود اکثریت جهان بر آنان مستولی شوند و عرصه را برایشان تنگ کنند. هنگامی که کارگزاران حضرت در جنبه‌های گوناگون اداره جهان خود ساخته و خود پرداخته باشند، آحاد فراوانی را به تحرک و پویایی وامی‌دارند. گفته شده است: «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۱۰۲، ۷) انسان‌ها نوعاً پیرو دین و کیش پادشاهان و بزرگان خود رفتار می‌کنند. پس بسته به این‌که خلق و خو و رفتار و رویه بزرگان‌شان چگونه باشد، مردم به تنظیم رفتار و رویه و خلق و خوی خود می‌پردازند. خوبی، هرچه باشد از انسان‌های والامقام دارای شأن ویژه که سرزند خوب‌تر و شایسته‌تر است. بدی نیز هرچه باشد از انسان‌های والامقام صاحب مکانت خاص که سرزند بدتر و ناشایسته‌تر است.

امام صادق علیه السلام برای شیعیان خویش به حکم شیعه جعفری بودن، مکانت و شرافت و جایگاه خاصی را منظور داشته‌اند که به موجب آن پیروان حضرتش لازم است بیش از همه

۱. «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُ عَصَى عَلِيٍّ نَاجِدِكَ أَعْرَأَ اللَّهُ جُمُجْمَتَكَ تَدُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ ... وَاعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ کوه‌ها از جا کنده می‌شوند، اما تو استوار بمان. دندان‌هایت را بر هم بفشار و جمجمه‌ات را به خدا بسپار و گام خود بر زمین می‌خکوب کن و بدان که پیروزی از جانب خداست.» (شریف رضی، ۱۴۱۵: خ ۱۱، از سفارش‌های حضرت علی علیه السلام به فرزند خود محمد بن حنفیه هنگامی که پرچم سپاه را در جنگ با اصحاب جمل به وی می‌سپرد)

۲. اشاره به اوصاف متقین در خطبه مشهور به خطبه همام. (همو: خ ۱۹۳)

۳. اشاره به پرسش فرشتگان از خداوند درباره آفرینش انسان: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰).

مراقب حرمت و شأنیت امام و رهبرشان باشند.^۱ این جایگاه از جمله عوامل ایجاد شأنیت و شخصیت است که به مفاد آن صاحب جایگاه باید بکوشد مبادا بر خلاف شأن و جایگاه ویژه‌ای که از جهت انتسابش به امام دارا گردیده است اسباب بی حرمتی و بی اعتباری خود و امامش را فراهم سازد. تربیت زمینه‌ساز ایجاب می‌کند رهروان تربیت یافته هرگز از حکم و مرام و منش ائمه هدی علیهم‌السلام - به ویژه امام زمان علیه‌السلام - تخطی نوزند و همگام و ملازم با ایشان حرکت کنند و هیچ‌گاه نه بر آنان پیشی گیرند و نه از آنان عقب افتند.^۲

با این لحاظ، تربیت زمینه‌ساز نیازمند نهاد فراگیر و گسترده‌ای است که همچون یک دانشگاه عظیم و فاخر، با مدیریت منسجم و یک پارچه و انسجام بخش در همه ساحت‌های فوق بر تربیت زمینه‌ساز همت گمارد. چنان‌چه وجود چنین تشکل تربیتی میسر نباشد، گزینه بعدی این است که مراکز و نهادهای متعددی - البته در ارتباط و انسجام فکری و علمی با یکدیگر - از عهده تربیت زمینه‌ساز، هرکدام در یک یا چند ساحت ویژه برآیند. بدیهی است مفهوم این سخن این نیست که محصول تربیتی مراکز و نهادهای مزبور مستقیماً با عصر ظهور سرو کار می‌یابند و با زمان ظهور معاصرت خواهند داشت. چه بسا خدا می‌داند که نسل‌های متمادی یکی پس از دیگری بیابند و هر نسلی حدی از کمالات مربوط به حق التقوی را احراز نماید تا رفته‌رفته آن نسلی که به عصر ظهور می‌انجامد آمادگی‌های لازم را از هر جهت و از هر جنبه برای حضور در رکاب امام زمان علیه‌السلام و مجاهدت در جوار ایشان به دست آورد. هرچه باشد باید از هم‌اکنون شروع کرد. گرچه ندانیم عصر ظهور کی و چگونه و چه زمانی خواهد بود!

تربیت زمینه‌ساز در حقیقت زمینه‌های تحقق آن دسته از اهداف و آرمان‌های الهی را که بناست با سرآمدن دوران انتظار، به استناد و برکت ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام و به دست مبارک ایشان به منصب ظهور برسد، فراهم می‌آورد. در این صورت اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر تمامی ادیان برتری خواهد یافت^۳ و مستضعفان وارث و فرمان‌روای زمین و زمان خواهند شد.^۱

۱. امام صادق علیه‌السلام به یکی از یارانش فرمود: «یا شقرانی! إن الحسن من کل أحد حسن، وإنه منك أحسن لمكانك منا، وإن القبيح من کل أحد قبيح وإنه منك أفح لمكانك منا.» (مجلسی، ۱۴۱۷، ج ۴۷، ۳۴۹ - ۳۵۰)

۲. در صلوات شعبانیه چنین آمده است: «المتقدم لهم مارق، والمتأخر عنهم زاهق، والأزم لهم لاحق.»

۳. «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» (توبه: ۳۲ - ۳۳)

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ غَابِطِينَ» (انبیاء: ۱۰۵ - ۱۰۶)

قال الحسين علیه‌السلام: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام وَآخِرُهُمُ النَّاسِغُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُخَيِّي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» (صدوق، ۱۳۹۶ -

با ظهور حضرت، فتنه‌ها و فتنه‌گران از روی زمین برچیده خواهند شد و انحرافات اخلاقی و سیاسی و اعتقادی رنگ خواهند باخت و منحرفان یا هدایت خواهند شد و یا به هلاکت خواهند رسید. این جاست که به اراده و امداد الهی خورشید عصر طلایی اسلام از افق ولایت و عدالت مهدوی طلوع خواهد کرد و روشنایی و فروغ جاودانه‌اش همه آفاق را درخواد نوردد.



الف: ج: ۱، ۶۸، ح: ۳۶)

۱. «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْقَاسِيُونَ» (نور: ۵۵)

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)

منابع

- ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى، *تذكرة خواص الامة فى خصائص الائمة*، تهران، مكتبة النينوى الحديثة، بى تا.
- ابن حماد، ابو عبدالله نعيم، *الفتن*، تحقيق: مجدى بن منصور بن سيد الشورى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٩٧م.
- ابن طاوس، رضى الدين ابى القاسم على بن موسى بن جعفر بن محمد، *جمال الأسبوع لجمال العمل المشروع*، قم، منشورات الشريف الرضى، ١٣٦١ش.
- امينى (علامة)، عبدالحسين، *الغدیر*، بيروت، دارالكتاب العربى، ١٣٩٨ق.
- جوادى آملی، عبدالله، *امام مهدي؛ موجود موعود*، قم، مركز نشر اسراء، ١٣٩٠ش.
- حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله، *شواهد التنزيل لقواعد التفصيل فى الآيات النازلة فى اهل البيت عليه السلام*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٦٩ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة*، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم، انتشارات مهر، ١٤١٤ق.
- راوندی، قطب الدين، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، ١٤٠٩ق.
- سبحانى، جعفر، *فروع ولايت*، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٣٧٤ش.
- شريف رضى، محمد بن حسين بن موسى، *نهج البلاغه*، تحقيق: صبوحى صالح، بيروت، دار الأسوه، ١٤١٥ق.
- صافى گلپايگانى، لطف الله، *منتخب الأثر فى الإمام الثانى عشر عليه السلام*، قم، نشر سپهر، ١٤٢١ق.
- صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه، *الخصال*، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٦٢ش.
- _____، *عيون أخبار الرضا عليه السلام*، ترجمه: عبدالحسين رضى و محمد باقر ساعدى، تصحيح: على اكبر غفارى، تهران، انتشارات اسلاميه، ١٣٩٦ق - الف.
- _____، *كمال الدين وتمام النعمة*، تهران، انتشارات اسلاميه، ١٣٩٦ق - ب.
- طاهرى، حبيب الله، *سيمای آفتاب*، قم، انتشارات زائر، ١٣٨٠ش.
- طبرسى نورى، حسين، *النجم الثاقب فى احوال الإمام الحجة الغائب عليه السلام*، بيروت، دار القول الثابت، ١٤١٥ق.

- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۹۰ق.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، *مصباح المتجهد و سلاح المتعبد*، تهران، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰ش.
- عسکری، ابی هلال حسن بن عبدالله، *معجم الفروق اللغویة الحاوی لکتاب ابی هلال العسکری و جزاء من کتاب السید نورالدین الجزائری*، تحقیق: بیت الله بیات زنجانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- غزالی، محمد بن محمد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دارالهادی، بی تا.
- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، بی جا، بی نا، بی تا.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن علی یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب - دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
- لاریجانی، محمد جواد، *کاوش های نظری در سیاست خارجی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ق.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- مفید، عبدالله محمد بن نعمان، *الإختصاص*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- مقرئ دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، *السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و أشراتها*، تحقیق: رضا الله المبارکفوری، ریاض، دار العاصمة، ۲۰۰۸م.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.

پایگاه های خبری و اطلاع رسانی

- پایگاه اطلاع رسانی حوزه: hazah.net
- پایگاه خبری آینده روشن: fnews.ir
- شیعه آنلاین: Shie-online
- ستاد زیارت وزارت علوم و تحقیقات و فناوری: zaaer.ir

- مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البيت عليه السلام: Aalulbayt.org , al-shia.org
- ویکی پدیا: fa.wikipedia.org
- همشهری آنلاین: Hamshahrionline





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی